

که اگر آشوبی شود در این میان چه گفت و بوسی تواند نمود. دنیا در جوش و خروش است و ما در خواب خلوش و خموش ۱۱ از مطالب دور نیوقتم ای اعضای مجلس اگر کسی صاحب باغچه باشد و بخواهد بر وفق میل خود در آن گل‌های رنگارنگ بکارد تا حصاری دور آن باغچه نکشد هر ریحی در گلزاری آن ببرد عذر است و عجت ۱ حصار مملکت لشکر است بتاریخ شورش فرانسه رجوع نماید که تقریباً همان حال ایران را داشت دشمن از هر طرف دور آنها را کمر گرفته بود و (لوز) شانزدهم دول دیگر را تحریک و دعوت بسراکونی رعایای خود میکرد (چنانچه لوزی ایران عثمانی را کرده)

اول کاری که فرانسها کردند این بود که کمر همت بر دفع مقابله دشمنان خارجی بستند، لشکر ملی مرتب کردند و دمار از روزگار اطریش و پروس در آوردند انگلیس را از اطراف سواک فرانسه با حال زیور بیرون کردند، ایتالیا را بسرازمه شجاعت و دلیری کردند، وجه جان فشانیها که نکردند، والا اگر مثل شما باین دشمن تفاق می گفتند و گردن به اطراف دشمن دیگر می گرفتند یا فریب و نیرنگ شیرین زبانی نالشی را میخوردند، هرگز بدین سرچشمه سعادت اندی نمی رسیدند، و نام شجاعت و مردی خود را در تاریخ عالم ثبت نمی کردند

ای اعضای ساده لوح مجلس لشکر ملی برای این مسائل است که دلخوش کردن انجمنها ۱۱ اجازه مشق بچند صد نفر در دروازه دولاب لشکر ملی نمی شود و از این رعب بادل روس و عثمانی وانگلیس که چهار چشمی متمیز بفرصت از هم دریدن شایند نمی افتد ۱ این قسم بیانات را در مجلس نهانید و مردم را بر خود بختانید، همین است وقتی که ترتیبی برای طرح مطالب در پارلمان نشد، و مطالب دو سه روز قبل در صفحه جایی باعضا نرسید که قبل از وقت مطالب را در خزینه خیال تقادی کرده خرمه ها را جدا و لالی ابدار و دور شاهوار خیالات خود را برای عرضه در مجلس مهیا دارند و وقت سئوالات را از وقت گفتگوی مطالب از هم جدا نسازد، و عوض اینکه هر روز وزیرایا معاونین آنها حاضر شوند و بی توضیح وقت سئوالات از آنها شود بگویند خیر لزوم ندارد هر وقت هر يك از آنها لازم شد با تلفون احضار می‌کنیم یا میرزا فضل علی آقا در مقابل اسرار آقای تقی زاده در اقام انتظار و ترتیب مجلس فلسفه نباید که بروقرام مجلس قانون است همچو ترتیبی لازم نیست، اینکه وقت و ترتیب برای گفتگو

مطالب قانونی لازم نیست، همه را باید در هم و بر هم کرد، و چند تلفرف خارجی و صریض متظاهرات این و آن را هم قاطی کرده ما اشرار باز آبدان قاطی کرده آتش قلمکار ساخت! با این اوضاع بهتر و سنگین تر از این بیانات نباید منتظر شد

باری از مسئله سور اقتادیم، ای انجمنهای فدائی وطن بر شهادت که به آقایان بنایید که لشکر ملی غیر از داوطلب است، لشکر داوطلب بدترین ترتیبات لشکر گیری عالم است، و جز در انگلستان دو حای دیگر این ترتیب موجود نیست، حالا هم انگلستان همایب آن برخوردارده در تلاش ایشان، قانون لشکر ملی (سود) را که امروز اکمل و بهترین ترتیب لشکر گیری است در مملکت خود برقرار نمایند، و مقدمات آن را هم فراهم داشته اند، در این صورت اعضای مجلس چرا بکارهایی که مردود عالم است می چسبند؟ لشکر داوطلب در ایران آهم با مردمان سالهاست ابراز که مردم را می زنند و هر لحظه کاری میزنند، اعتماد به هیچو لشکری مثل اعتماد بقسم امرای ایران است ۱ دوست سیصد هزار نفر علاج درد ایران را نخواهد کرد، آن هم با عدم راه آهن ایران دو راهان فشان لازم دارد، که هر آن لازم شود در هر منطقه از شمال و جنوب و مغرب و مشرق يك گروه مرد عرب در فشان نظامی بمیدان جنگ ریزد، و روز را بر دشمن سیاه سازد ۱ ترتیب لشکری ملی (سوند) را که بسبب باره تغییرات در این دو سه سال اخیر از هر جهت کامل و طایه حسرت آید، مال اروپا شد باید در ایران برقرار کرد، و همت را نیز بلند داشت که مردم روزگار از همت بلند بختی رسیدند، نرس و ملاحظات نزدی را که ایران را بحال ویرانی آورده باید کنار گذاشت، نتیجه حبس و سر زبر برف کردن سه سال گذشته را مورد تأمل داشته عبرت کنید، هر که نرسید مرد

(یا برو همچون زمان روسی و بونی پیش گیر)

(یا جو مردان اندر آبی و گوی در میدان فکن)

(من میگویم سمندر باش یا پروانه باش)

(چون به فکر سوختن افتاده مردانه باش)

بعض از اعضاء مجلس ۵ خیالاتشان سطحی است اعتراض دارند که سونی لشکر پول لازم دارد، و چون ما پول نداریم و قادر برسوق لشکر نیستیم داشتن لشکر ملی چه فایده و اثری خواهد داشت، اگر امدك تأمل کنیم می بینیم که در موقع جنگ دو چیز لازم است، یکی لشکر مشق دیده آراسته، دیگری پول، پس به تهیه هر دو باید کوتید، اما آنچه پول است در هر آن ممکن است تحصیل کرد اگر چه بگرو گذاشتن قسمی از مملکت

هم باشد، اما لشکر مشق دیده علم نظام آموخته حصولش
 جز بزحمت چندین ساله از محالات عادی است، و لشکر
 مشق ندیده اگر چه همه شیران و بادگاران سام نرمان هم
 باشند در این عصر وجود و عدمشان علی السویه است،
 پس بعضی تصور نااطله که بول نداریم نتیجه
 نمیتوان گرفت که باید لشکر ملی ترتیب داد، بنا بر عمل
 فرانسه جنگ را جنگ قوت میدهد، لشکر فرانسه
 در وقت شورش ملی همه گرسنه بودند و مفلوک و عاری
 از اسلحه کافی، ولی چون هنر داشتند در اندک زمانی
 گنجهای عالم مال آنها شد، گذشته از اینکه تحصیل
 پول در حین احتیاج هر قسمی ممکن است، قول صریح
 میدهم اگر ایران يك ملیان از روی قانون و ترتیب
 صحیحی لشکر بر مشق بحرب در قنون نظامی داشته باشد
 در موقع لزوم جنگ از آسمان بایران بول میریزد،
 همان انگلیس در جنگ با روس قرض میدهد، همان
 روس در جنگ با انگلیس قرض بایران میدهد، و
 آلمان در جنگ با انگلیس و روس هر دو ملیانها بایران
 قرض میدهد، و با دارائی چنین قوه نظامی اگر
 مفلوک تر از حالت حالیه هم باشید هیچکس را جرأت
 جسارت بشما نمیداند! افغان و مقام و احترام و خوف
 او را در دلهای روس و انگلیس! مقام و احترام واقعی
 خود بسنجید و خجل و شرمنده شوید، و مرگ را
 بر زندگی بر از عار و تنگ ترجیح دهید، اگر احتمال
 حرکت مذبحی در ایران مردم میدادند بعد از فرار
 عبدالسلطنه یعنی سکه السلطنه بی شرف، و درد در خاک
 ایران از پیش مشق عساکر بی سر و پای عثمانی با آنهمه
 اقتضاح و گذاشتن چادر و دستگاه آن احتمال هم باقی
 نماند، اسم جنگ و ایرانی که می آید همه ببخشند! ۱
 در جواب عضو محترمی که فرمود تهیه لشکر ملی
 موجب نفاق بین دولت میشود، جناب رئیس لازم
 بود زندگی بزند ۱

حاصل قبل از وقت معلوم بود

موجب تا لنگر افکانه امروز خبر روتر از تبریز داده
 شاهزاده فرما فرما فرمان سرعسکر عثمانی را بسمع قبول
 اصفاء نموده، بدون مدافعه و مقابله اردوی خود را
 از ساوج بلاغ حرکت داده (فریس پاشا) سرعسکر
 ترکی ایریق عثمانی وارد ساوج بلاغ گردید

حاصل المتین

(گر ازین دست زند مطرب مجلس ره عشق)
 (ای بسا دل صکه بخوابه منقش باشد)
 از روز اول گفته، هنوز هم بعقیده اولیه خود

باقی هستیم که قشون عثمانی دعوت شده اند، نقطه مخالف
 را چون از هر جای سر بسنگ خورده، برای بستوه
 آوردن ملت و مشغول داشتن مجلس این اسباب تازه را
 فراهم آورده است، اغتشاشات ساوجبلاغ و امداد
 خواستن و آمدن فرمانفرما، و محاصره شدن، و برپایی
 خزینه و تباهی قورخانه همه برای پذیرائی قشون عثمانی
 در ساوجبلاغ بود بعقیده خودشان پانیک تازه زده اند
 که ملت بدکان نگرود، ولی بیاید روزی که برده از روی
 این مسئله هم بر داشته شود مانند مسئله اقبال السلطنه
 و انقلابات خوی و ماکو

ملت یا باید ولو بقیده پنجماه هزار نفوس محترمه
 وطن خواهان باشد، محرك اصلی را از میان بردارد،
 (چه رفته رفته همین تدابیر ده گونه بر این عدد ملت
 تیره خواهد شد) و یا هر تدبیر هست رفع مخالفت نماید،
 ورنه با این اختلاف معلوی امکان ندارد هیچ کار
 پیشرفت نماید، و عاقبت عرض و ناموس ملت بر باد رفته،
 همسایگان دیگر ما هم تاسی بهمانی جسته بکدمه حیات
 پانیکی ما خانه خواهد پذیرفت

روشن تر باید گفت کهنه پرست اول ما اگر قدرت
 یابد راضی است که بدوا آذربایجان و بعد تمام ایران را
 بدهد که این ملک و ملت بیادیت و سعادت در دنیا
 زندگی نه نمایند؟ اگر چنین نیست بگویند در مقابل
 این همه اجحافات و پیش قدمی عثمانی درین مدت چه
 کرده اند، اگر دولت قدرت ندارد و از عهده بر
 نمی آید چرا بخود ملت وا گذار نمی نمایند؟ چرا با
 این تعدیات پنبه ترك تعلقات سیاسی را با عثمانی نمی نمایند؟
 اگر چنین مالد که فردا تبریز و قزوین و پس فردا
 طهران را هم خواهند گرفت بخایه نمایند، ظاهر است که
 چنانک تر از فرمانفرمای با عزت نخبه خواهند کرده،
 حادۀ افغان را فراموش نه نمایند

ای ملت غیور بهوش آید، و ملتقت شوید که برای
 شما چه رنگها ریخته شده و اگر باین غفلت بگذرانید
 طابت شما بکجا منجر خواهد شد، چرا حاجلا جی
 مشاق از (سویذ) طاب نمی نمایند که سربا قشون شما را
 مرتب نموده، جوانان غیور نجیب و سواران دلیر
 ایلات را در صرصه چندماه قابل دفاع از طعم سازند؟
 چرا سرداران غیور که محل اطمینان ملت اند بسرحد
 نمیفرستید؟ این زودباوری و تسامح کار را بر شما
 سخت تر خواهد نمود، این جبن و سرعوبیت صدساله
 وساده لوحی و کلامات را بذلت ابدی خواهد گشاید
 فرمانفرما را طلب کرده، درین موضوع تحقیقات کامله
 فرموده، کار یکسو نمایند که از بد بدتر را نه بینید

لايحه يکي از دانايان غيور

ميدانيد آثار طبيعت بطوري نواميس وطني را در اعماق قلوب افراد بشر جاگير کرده، که هيچکس نميکند امم وطن خود را ميشنود فوراً ذهنش منمطف باین حقيقت ميشود که (وطن خانه و کاشانه اوست، وطن مقابر آباء و مدافن امهات اوست، وطن اموس اعظم و مرض بزرگ اوست) و این قانون اصليه از ازمته اوليه در قلوب افراد و آحاد هر يك از ملل عالم راسخ و مهترسم بوده، و آن همه جنگ و جدال و حرب و قتال که از اول دنيا تا هذه الوقت بوقوع و حدوث پيوسته، آنهمه خونهای بخی نوع انسان که صفحه زمين را حقيق گون ساخته، و آنهمه کشمکش هائیکه در ازمته مختلفه منتج فناء و اضمحلال شرف يك ملت و باعث ابقاء و اجلال امت ديگر شده، همه از آثار و نتايج اين خيال است، که در دلهای ملل و قبایل بدون اشکاک و حلاشه موجود بوده است - بعقيده من (و شايد جناب هم با من متفق الراي باشيد) اين خيال تصب وطني هنگام ولود با انسان پمرسه وجود آمده، و هيچوقت از او منک نميشود، مگر اينکه روح وی از دنيا مفارقت نمايد

شايد حکماء دنيا که در صادرات و واردات احوال بخی نوع انسان از قديم الزمان الی الان غور و دقت کرده اند با اين حرف بنده موافق باشند و آن را دایر مدار وقوعات دنيا بدانند - اگر آن جنبش اوليه ملت انگليس (که آنها را از قيد استبداد رهانیده و بنعمت مشروطيت نایل ساخته) از بين اين خيال وطنخواهی نبود، از چه بود؟

اگر آن شورش معروف قوم فرانسه (که مایه حصول جمهوريت برای آنها شد) از اثر اين عقیده صحيحه نبود از چه بود؟

اگر آن حرکت پر زور ملت آلمان در جنگ فرانسه (که سبب استخلاص مملکت آنها گشت) از نتايج اين رأی نبود از چه بود؟

اگر آن مقاومت قوم ضعیف يونان در جلو لشکر عثمانی از ثمرات اين بندار نبود از چه بود؟

اگر آن بلوای طام هند (با اينکه جاهلانه يعنی بطور بيخامی بود) از نشئه اين خيال نبود از چه بود؟

اگر آن جانفشانی و فداکاری قوم غيور ترانسوال (که برای ساير ملل سرمشق تواند شد) از فوايد اين کمان نبود از چه بود؟

اگر همین حرب روس و ژاپون (که هزاران نفوس را طعمه مرگ مذلت آميز از يکطرف، و موت شرف و افتخار از طرف ديگر ساخت) از قوت و صلابت اين حقيقت نبود از چه بود؟

تاریخ دنيا جواب اين سؤالات را همه بطور قبول مبدعد، و انکار نمیکند، اما يك نکته دقيق هم هست که بايد ي پرده گفته شود و آن اينست که آن خيال که در فوق آنهمه وصف و تعريفش کردم در بعضی ملل قلت و کثرت و ضعف و شدت دارد، و در هر قوم و ملت بيک اندازه معینی نميباشد، و حالا چون ذکر و ورد شما و من همه از محبوب وطن ميباشد، خوب است کاری بکار ديگران نداشته و از همه چيز گذشته به بينيم، راستی اين خيال وطن پرستی يا ناموس خواهی ميان ما بوده؟ يا نبوده، اگر بوده، حالا هست؟ يا نيست، و اگر نيست منکر اين مطلب کيست؟

تاریخ ايران ما فریاد جانفرسانی در چارسوی دنيا جار میکشد و ميگويد، واقه اولاد اين مملکت يك وقتی پایه خيال وطن خواهیشان بحدی رفت داشت که با وصف اينکه انسان در بدايت آدميت و تمدن بود آن اولاد ايران کارهایی در آمادی و شوکت و عظمت خانه خود کردند که هنوز وقتی بيگانگان ميخواهند ترقی انسان را بنقل بگویند و شاهکار اين اشرف مخلوقات را بجلوه در آورند، نخت جنبید (پرس بپرس) و طاق بستان، و شاهپور، و سد اهواز، و ابوان کسری، اولين لشکر حرف ایشان خواهم بود، و هنوز بعضی از آن اولاد ايران که خون ساف ابرائی در هروق شان باقی مانده، وقتی که نظر بآن آثار اوليه ميکنند، و مرتبه شهامت سابقه را با دانات لاحقه موازنه ميبايند يك مرتبه خالق بر آنها رخ مبدعد که تشریحش جز خودشان نتوانند -

گذشته از اين آنهمه حربهايکه اين ملت در دفاع از مادر وطن کرده و آنهمه خونهايکه در راه آن ريخته اند، تا درجه شهرت پيدا کرده که گویا از وصف وضوح بهیسی گشته، و شايد از فرط

عیان محتاج به بیان نباشد - خوب - تا اینجا فهمیدیم که ما ابرایما بکوفتی از درد وطن برسق بهره داشته ایم حالا بکفتری با من مهت کرده بیایم برادرور در صفحات تاریخ وطن جستجو کرده ، و بنیم آن غیرت وطنخواهی - آن حس اسابیت - آن عقیده صحیحه - آن خیال مبارک - بعد از آنکه در جزو مخلفات اسلاف بدست ما رسیده آیا نگاهداری از آن نمودیم ، و هنوز در قبضه ما هست ، یا نه ؟

اجبات که خیلی آدم میخواهد جرات کرده خود را نباخته هر چه باداباد يك حرف رست بی غل و غشی بدون ترس و خوف از طمن و دم برادران بگوید -

« اگر اجازه باشد در اینموضوع يك حرف بحاشیه میروم و میگویم همین سرعوبیت از طمن و دم بود که حقایق اشیا را تاکنون از نظر ما بدمخنان مستور داشته »

باری نوکلاً علی الله میگویم و اگر هم برادران بر خلاف بر خیزند از خدای انصاف مدد میجویم - بعد از آنکه آن ودیعه مقدس بدست ما افتد ، و بر حسب قانون آدمیت باید امانت را طایات نکنیم ، تاریخ میگوید که ما اندکی غفلات نموده ، آنطور که باید و شاید آن امانت را محافظت نکردیم ، یعنی غیرت وطن برسق ما اگر تمامی زایل شد ، اما ضرب سختی بر او وارد آمد - خیلی دور بروید - پیش چشم خودتان است که اگر هزارسال باشد اما هفتصد هشتصد سال است که ما ما یا حیثیت را گم کرده ایم ، یا آنرا واقماً داریم و نمیفهمیم ، یا اینکه تن پرور و سست عنصر بار آمده آن قوه مدرکه نداریم که اقلأ حلیر و شر و منفعت و ضرر را تشخیص و تمیز دهیم -

بعد از آن همه قرنهاى مسق و خواب هنوز هم ما خم بباروی بزرگی و شهامت خودمان نیورده ، نمیدانیم که کدام ودیعه و کدام امانت را باهمال و ضایع کرده ایم - هنوز در قاموس لغت ما این حرف (وطن برسق) را تعبیر و تفسیر صحیحی حاصل نگشته ، یعنی هنوز بزرگی ما منوط بقطر شکم فطانت ما عبارت از استعمال نقاب - درایت ما منحصر بنهم اغلاقات شاعرانه است ، گویا هیچیک از من و شما نتوانیم

انکار کنیم ، که دیروز بود وزارت ایران یا حفظ این مملکت هر بیض و طولیل با آن اشخاص کج فهم بی درایتی داده میشد ، که ربالنوع آنها در وقت بروز يك غایبه بهترین چاره که میتوانست در مخیله خود پیدا کند همین (غیر از عزل من هر چه میخواهند قبول کن) بود و بهترین شاهکار آنها همان گول خوردن ززرنگان خارجه بود - بدمخنانه حول وحوش اینگونه ززرگان بی فهم هم بجدی خراب بود که اگر گاهی طبیعت آن بچارگان مایل باصلاح بعضی از کارها میشد آن حاشیه شینهای بیوجدان در استتار حقایق بجدی جدوجهد میگردند که آنها را بکلی از حصول باز میداشتند - آیا معیناً مسئله تمدنی و مذلت ما آفتابی شده ؟ و

آیا هیچ میدانند که اندکی از آن خرابکارها - سابقه را رفو کرده طوری طرح کار بریزیم که لا اقل بطور موقت بتوانیم خود را محفوظ بداریم ؟ اما در باب سئوال اول گویا هیچ ایرانی شواند منکر شود ، که امروزه نیرو ما را حاجت نبوت نیست ، از یکطرف آن همه ترقوت فوق النسوری که هم جواران ما کرده اند آنها همه قوی حریبه و استعداد دفاعیه که آنها بدست آورده اند - آنها همه صنایع و مدایع محیرالعقولی که در سایه علم و دانش کسب کرده اند - آنها همه ثروت و جبروت و مکتبی که بی شبهه دارا هستند ، و بالاخره آنها همه ازدیاد نفوسى که از برکت بیداری در خاک آنان یافت میشود و از طرف دیگر آن مذلت و مسکنت مادى ما ، آن ضعف نوابى منوى ما ، آن قات ثروت و مکتب ملی ما ، و آن خرابیهای غیر مسنوری که از این سر تا آن سر مملکت ما فرو گرفته ، بی شك ثابت خواهد کرد که

(فقر روحانی ایرانی ماتم زده را)

(در تکلم مثلی نیست که باوی بزنم)

و اما در سئوال دوم متعیر و متفکریم که جواب آرا بچه نمودیم ، زیرا این مسئله دو پہلوئی است - یکی آنکه ملت ما تازه از خواب غفلات بیدار گشته و در صراط هشیارى و سر بلندی حرکت کرده ، با جمیع قواء خود در راه معدات یوبان و شرف ملیت خود را جویایست است ، آفتاب عدالت و مساوات از مشرق ایران طلوع و سطوع نموده ، و اشعه تابان

خود را بر صفحه اقبال این ملت انداخته ، و مصباح
حریت در اقطار این مملکت روشن و منور گشته ، این
حرف یکی از دو پهلوی آن مسئله بود ، و گویا عقیده
آن ایرانیانی است که خود را عارف و واقف رمان
میدانند ، و میجویند سر این بدبخت ملت را بحرفهای
نهی بر کرده کلیم خود را از آب نکشند ، ولی از
پهلوی دیگر می بینید که بتول يك از جراید انگلیس
(جنبش ملی ایران و وضع سلوک و خواہشات آنها
چنان بر طالبان نمود که اهالی این مملکت قدیم بتتضیبات
جدید واقف ، و بعاقبت وخیم آمال امر خویش مطامع
گردیده اند ، ولی بدبختانه کم کم معلوم میشود . . .)
نمیگویم این حرف که قائلش مفرض با ما مفرض
است در مورد ما مطابق با واقع میشد ، بلکه میگویم
بدبختانه مشهود است که کلیه وقوعات و حادثات وطن
عزیز دارد تدریجاً این ادعا را تقویت و ناشد مینماید ،
و از چیزهاییکه در این اواخر مملکت خودمان دیده
ایم هیچ نمائند که خدای نخواستہ این اعتقاد را در
افغان خود راسخ کنیم ، بلی ، چرا نکنیم در حالیکه
می بینیم آتش همان و کاسه همین است ،
چرا نکنیم ؟ در صورتیکه هر روز بکشمند بر
و شیرنگ نازد پیش میاید برای مشغولیت ملت . آنها یکی
دست از همه کار خود کشیده جان خود را در خطر
انداخته بسمت تبعوت مات در یکجا جمع گشته اند ، که
فکری برای سبکی این بار مذلت که مات بدبخت بدوش
دارد بکنند ، و کارشان منحصر بهمین است که وفق يك
خیال دوستی پیدا کردند اجرائش را دیگران وا گذر
کنند ، کمال مذات است که يك حقوقی را بی نوع
انسان بعد از آنکه چندین قرن بارهای آنرا شکن
ظلم و بیداد را بدوش کشیده و هر نوع فلاکتی بر خود
شان پسندیدند ، حالاً که قدری بخواهند از این یا بیای
دیگر بایستند کسی آنها را نکندارد ، ملتها درجه غفلات
و بدبختی است که يك قومی با وسف اینکه هنوز
نمرده ایم دیگران خانه آنها را فیابین خود تقسیم کرده
تقسیم نامه را بخود شان بدهند ، و از آنها يك حرکت
ظاهری هم بوقوع نرسد

گفت ، ولی چه کنم میخوانم سخت بزلف یار بر نخورد .
میخوانم بگویم از سه سال قبل آنها همه نکارشات
حزبالتین در مضارعه پیمانہ روس و انگلیس چه فایده
کرد ، میخوانم بگویم ای مات ایران ، گیرم این معاهده
هیچ مضرت و مفاسدی برای هیئت شما ندارد ، و
گیرم ضامن بقاء و استقلال شاست و گیرم باعث محافظت
شاست ، آیا شما برای نجات و استخلاص خود آن از
درکات سختی که در بن دوره ترقی بحال اقوام ضعیف
عارض میشود چه کرده اید ؟ آن اقدام شما در حفظ
وطن عزیز و سلامت خاک پاکتان چه بوده ؟ آن
جنبش غیورانه که برای دفع هلاک خود کرده اید
کدام است ؟ آن فشار بدبختی را که از وجود خود
رفع نموده اید چه وقت بود ؟
ای مات ایران ، آیا در این اتماضیکه طاهرآ برای
حصول حریت نموده اید ، بطور اکل و تکمیل نایل
بمقصد شده اید ؟ آیا می نشینید و میگذارید این وطن ،
این خاک پاک ، این ملت قدیم ، این سلطنت قویم ، و
بالآخره این دین مبین ، بکلی با عمل رذالت و فدای غفلات
و عطالت شما شود ؟ آیا آن نیرهای مصیبت آمیز و
سوحه های پیش ز سرخی که برای شما در جراید ظلم
خواندید ، شما را متنبه نساخت ؟
آه ! باز دیوانه شدم زنجیر کو .
هنوز روزهایجات دارند دست از مذاکره آن
عهد نامه بر نمیدارند ، ولی گویا در مملکت ما اثراتش
مثل يك رلزله بود که وقوعش موقتاً مردم را ترساید
محل تأسف است که هر چه بشد در بن موضوع
سحق رسیده شده مات ما کمتر تنبه و عبرت حاصل
کرده ، دوست ایرانی می با فهم در بن موقع اکتفا
بظاهر داعیه خود در مورد این عهدنامه ننکرده
قدری حرفهای دیگر را برای ثبوت مدعای خود
نقل کند ، تا بن مات بهمه که این کار تا چه اندازه
مربوط با آت آری میباشد
يك از نامه های انگلیس بتاریکی در ایستاد چه
تسلیه روزی در خورجه خود شکر کرده که میتو
بری در نامه نگار ما میزان حق گوی باشد ، و
اینک ترجمه آری در ذیل بعرض معروض نم :-

انجاست که خواهید فرمود سخن را باید بی برده

ترجمه از روزنامه طیمس آف انڈیا

(نمره ۵۲ مورخه ۲۵ دسمبر ۱۹۰۷)

(سرادوارد گری در خصوص ایران)

مہترین سیاستیون غلط و خطا میکنند، لیکن ہموارہ
باینطور تشدد کہ از صفات سرادوارد گری میباشد
بارائیکہ کلیتاً نا درست است موافقت نمیکند، شخص
مزبور هنوز بجد است کہ معاہدہ روس و انگلیس
صدمہ فواید نجارتی انگلیس در ایران نژده است، با
وصف اینکہ کراراً (نه فقط در جرابدیکہ سیاسیاً
مخالف با دوات هستند) بوضوح پیوستہ، کہ بواسطہ
این معاہدہ وضع روس در شمال ایران مستقل گشتہ
ونطاق نفوذ مشارالہا بطرف جنوب در منطقہ نجارت
انگلیس و کذاک مستقیماً در یکی از طرق نجارتی
ماہا کشیدہ شدہ است

در قلمرو آزاد (یعنی خطہ بیطرف ایران)
دولت روس آزاد است کہ با شرایطی کہ در حق
انگلیس مساویست نجارت نماید، اما همان موجبات و
اسبابیکہ اعطاء یک خطہ مخصوص را در شمال روس
تجویز کردہ بطور مساوات مقتضی است کہ بریطانیای
عظمی را بحق سازد کہ در جنوب دارای یک منطقہ
نفوذی حاوی بر تمام صفحہ خطایج باشد

اول وقتیکہ شروط معاہدہ شایع شد، آنہائیکہ
خواہ خواہ آن بودند چنین توضیح میکردند کہ در
معادل اینکہ یکقوم مخالفہ در اروپا جلو آلمان تشکیل
دادہ ایم، در آسیا یک ہی خلیج سنگینی برداختہ ایم،
در ہر صورت این مسالکی معقول بودہ، ولو اینکہ ماہا
موافق با آن نہ داشتیم، زیرا گمان مینمودیم کہ در زمان
حاضر این فدا کاری غیر لازم، و در اوقات آتیہ
مستلزم نقصان خواہد بود

اما سرادوارد گری اقرار و اذعان باین فدا
کاری نمینماید، و مفرورانہ خود را مثل آنکسی جلوہ
میدہد کہ کار خوب نا معمولی کردہ، و بموض اینکہ
ہیچ چیزی از کف ندادہ یعنی چیز ہا ہم گرفته
است - البتہ جا دارد کہ مشار الیہ ہر صدای بلند
تری کہ میتواند فواید این معاہدہ را اشتهار دہد، زیرا
کہ ملت سست است در این کہ بفہمد قدر و قیمت
این داد و ستد سیاسی کہ مشار الیہ کردہ و کہنہ دادہ

و نو گرفته چیست -

یک سیاسی دان خلیل بزرگتری از سرادواردگری
بر دفتر ایام چنین نوشتہ کہ (ہر کس منصب وزارت
را تا مدت معتنا بہ داشتہ باشد ہرگز نمیتواند کہ خطبات
اصلی خود را بطور کلیہ و بدون تغییر در خاطر
خود مضمحل داشتہ و در موقع اجراء آرد) وقتیکہ
مجلس شوری انعقاد یافت سرادوارد را فرصت بدست
خواہد آمد کہ در راستی این گفتہ بسہارک تکرر نماید.
ما را شایستہ است کہ علاوہ بگویم در نمرہ رایج
(نہن تین سنتری اند آفتز) یعنی مجلہ قرن نوزدهم و بعد
یک رد خرائی بر معاہدہ روس و انگلیس از انوخامہ
استاد (ارمینس وامبری) سیاح و عالم مشہور کہ حالا
در بوداپست متوقف است درج شدہ

(وامبری) متکراً میگوید، کہ (مقررات مذکورہ
مفاسد شان نسبت بمصالح انگلیس بیشتر از نفعشانست،
و در این شکلی کہ آن مقررات ظاہر شد بہتر بود کہ
یکلی ظہور میکرد) مشارالہ اعتراف میکنند انگلستان
مقام خود را در غرب و جنوب غربی ایران از کف
دادہ و بوج و طفلاہ است کہ گمان کنیم یک منطقہ
فوایدی در یکی از گوشہ های جنوب مشرق آن
ملکت باعث رفع هجوم بر مقام انگلیس در خطایج میشود
موسی الیہ را گمان اینست کہ شوکت انگلیس در
ایران ضعف خواهد یافت، و ابا دارد اعتماد دائمی بر
تعهد روس دشتہ باشد، کہ منطقہ نفوذ خود را از
خراسان تجاوز نخواہد داد، ازبابت افغانستان نتیجہ
صدمہ اینست کہ انگلستان بازار افغانستان را جہت
نجارت روس باز و مفتوح کردہ و بقیدہ وی آن
معاملہ کہ در باب بیت شدہ بکلی دارایی خاصیتی
نمیتوان بنداشت

شکفت آنست کہ آنہم شارت و شورت و
شعفی کہ مطبوعات لندن در پذیرفتن معاہدہ مذکورہ
داشتند متعاقبش اظهار تکذیب و تہیج از اشخاصی
آمد کہ امور شرق وسطی را واقعاً میفہمند.
انہی

کاش بعضی از ہم قلمان شاہ کہ مدعی درد وطن
پرستی و حق انسیانیت هستند اقلآ کی نظر خود را

باصلاح امور وطن و افشاء طرق سعادت نموده، این همه درصدد مشغولیت خلق بحرفهای بی نباشنده و کائنات ملت مأمم قدری اندازه مفاسد امور خود را بدرستی دوله کرده مارق بمقتضیات وقت گردیده احتراز نمایند از آن در کاینکه اقوام بزرگ و مال عظیمه را عارض گشته و آنها را ببادیه یستی و یستی کشید

بشرف اسلامیت و انسانیت سوگند که هرگاه افراد این ملت نظری غائر بحالات حالیه خود نموده آن رذالت و نکبت و غفلات و مذاق که بالفعل بایشان رخ نموده در آئینه استقبال وطن ببینند، بدون این همه تضییع وقت و اتلاف فرصتهای قیمتی مانند قوم بیدار ژاپون درصراط اصلاحات دخول نموده آورده نخواهند ماند، مگر اینکه گریبان خود را از جنگ اجل حقیقی که اضمحلال شرف ملیت باشد فارغ سازند اما مع التاسف می یابید که واقعی یا این از مهلت

خود بخیبر یا اینکه نعمد در افشاء خود دارد

ای درینا چشم ما گر اندکی بیناستی

تا بدیدی آنچه حال مادر این دنیا استی

کاش صبحی از قفای این شب یلداستی

تا حجاب غفلات از پیش نظر برخاستی

ذیحجه ۱۳۲۵

(هموطن شما از جنوب)

کنفرانس صلح لاهی

و دولت علیه ایران

روز پنجشنبه ۱۸ ماه اکتوبر فرنگی، مذاکرات کنفرانس لاهی ختم شده، و فردای آن مجلس رسمی ختم کنفرانس منعقد گردید، از این مجلس چون مذاکرات اصلی تمام شده بودند، مقصود فقط نطق های عدیبه بود که رئیس کنفرانس و وزیر امور خارجه هولند و دوسه نفر از مأمورین چند دول دیگر هر يك بمناسبتی میبایست بکنند، به عبارت الحری ترتیب این مجلس و رای مجالس سابقه بود، و محض اینکه مجلس بطول میانجامد و همه کس بمقام نطق و تکلم نیاید، ترتیبی رسماً داده بودند که بجز چند نفر از مأمورین که هر یکی بمناسبتی مکلف به نطق بودند کسان دیگر حرف نزنند و فقط شرکت در اظهارات آن چند نفر بکنند بطوری که در صورت مجلس در روز نامه مخصوص

کنفرانس ملاحظه میشود.

در این مجلس کسانیکه نطق کرده اند اولاً سفیر کبیر روس بود بمناسبت ریاست خود در کنفرانس، ثانیاً نماینده اول و وزیر امور خارجه هولند بمناسبت تشکیل کنفرانس در مملکت آنها، ثالثاً مأمور مملکت جمهوری آرژانتین بمناسبت اینکه آنها و سایر ممالک آمریکائی جنوبی را دفعه اول است که بکنفرانس بین الدول دعوت کرده اند، یکی هم سفیر کبیر ژاپون و جناب ممتاز السلطنه نماینده اول ایران بوده است، نطق سفیر کبیر ژاپون بمناسبت جنگ آخری یعنی بر اظهار میل دولت خودش باستحکام صلح و صنای بین الدول بوده، جناب ممتاز السلطنه هم قدمت دولت علیه ایران را دست آور کرده و بآن مناسبت از طرف اقدم ممالک روی زمین حرف زده و باین نطق ممزی الیه (بموجب اوراق رسمی که بداره رسیده) حضار تماماً دست زده و آفرین گفته اند، اینک ما هم به ترجمه آن ذیلا می پردازیم

ترجمه از صورت مجلس مورخه هجدهم

(ماه اکتوبر کنفرانس لاهی)

رئیس - نوبه نطق جناب ممتاز السلطنه نماینده اول ایران است - جناب صمد خان ممتاز السلطنه، آقای رئیس - بنام یکی از اقدم ممالک روی زمین است که منهم اجازه نطق - خواسته و می خواهم بواسطه چند کلمه بسیار مختصری در این شور و نشاطی که دارد از این تالار تاریخی لبریز میشود شرکت نمایم

بلی آقای رئیس همین طور است که گفتند از همت شما است که کار های کنفرانس به فیصله رسیدند و در این مدت چهار ماه و نیم شما و معاونین نامدار شما رؤسای کمیسیون های اربنه هنر و مخصوصاً یک صبر و تحمل خارج از حد تصوری برای انجام مذاکرات و مقاصد کنفرانس دویم صلح بکار برده اید

اینک ما هم با کمال عجزه مراتب تشکرات خودمان را بشما اظهار مینمایم یقین دارم همه ماها با یادکارها که فراموش نمی نشوند از یک دیگر جدا میشویم، ولی با کمال تاسف ترك خواهیم کرد این مملکت مهمان نوازی را که در سر زمین آن همه ماها و هر یکی باندازه خود قدری از خودمان را گذاشته و میرویم

چنانکه از صورت مجلس روز حتم کنفرانس ملاحظه میشود ، چهارده قرارنامه بین الدول در این کنفرانس ایجاد شده و بامضای نمایندگان دول رسیده اند . اینک محض استحضار مشترکین محترم ترجمه اساسی آنها را ذیلاً می نگاریم .

(۱) قرارنامه راجع بر اصلاح منازعات بین الدول بطریق صلح و صفا

(۲) قرارنامه راجعه بر ادای قروض دول

(۳) قرارنامه راجعه بر شکل شروع جنگ

(۴) قرارنامه راجعه بر قوانین و عادات جنگ

بری

(۵) قرارنامه راجعه بر تکالیف دول و اشخاص

بی طرف در جنگ های بری

(۶) قرارنامه راجعه بر تکالیف و معامله دولتی

با کشتی های تجارتن دشمن در ابتدای جنگ

(۷) قرارنامه راجعه بر ترتیب و تبدیل کشتی های

تجارتن به کشتی های جنگی

(۸) قرارنامه راجعه بر ترتیب و تحدید گذاشتن

نارنجک های دریایی

(۹) قرار و مدار راجعه بر ترتیب و تحدید تیر

اندازی توپ های بحری در موقع جنگ بری

(۱۰) قرارنامه راجعه بر قبولی قواعد قرارنامه

ژوپو در جنگ بحری

(۱۱) قرارنامه راجعه بیاره تحدیدات حق توقیف

در جنگ بحری

(۱۲) قرارنامه راجعه بر تاسیس محکمه بین الدول

توقیفات ایام جنگ

(۱۳) قرارنامه راجعه بر حقوق و تکالیف دول

بی طرف در موقع جنگ بحری

(۱۴) قرارنامه راجعه بر قدغن نارنجک و تیراندازی

در روی بالون

اگر میخواهیم تعریف محسنات این قرارنامه ها و

اهدازه زحمات نماینده ایران را در انجسام یاره نکات

مدرجه آنها مفصلاً بیگاریم کتابی خواهد شد

در این قرارنامه چندین شرط برای حفظ منافع

دولت علیه نماینده اول ایران لمصاحه کرده است ، و ما

خاطر قارئین محترم را مخصوصاً متوجه آنها می کنیم .

شرط اول در قرارنامه نمره (۱۰) است و شرطیکه در آن کرده و پای آنرا امضا نموده است بدین مضمون میباشد (بشرط حتی که کنفرانس قبول کرده و تصدیق نموده است و بموجب آن دولت علیه ایران در هر موقع ومحل استعمال صلیب احمر ، شیر و بطور شید احمر را استعمال خواهد نمود)

شرط دوم در قرارنامه نمره (۱۲) راجعه بمسئله تاسیس محکمه بین الدول توقیفات ایام جنگ ، در عدم قبول فصل یازدهم آن شده است ، باین معنی بعد از اینکه حق شرکت دولت علیه را در این محکمه با آن اشکالاتی که سابق نوشته ایم تحصیل نمود و دو سال از شش سال را قاضی ایرانی حق حضور در آن محکمه خواهد داشت ، با وجود آن حضور شش ساله دول بزرگ هشتگانه را قبول نه نموده و باصطلاح خودمان جای انگشتی برای آتیه در آن گذاشته است ، ~~که~~ اگر انشاء الله قوه بحریه و تجارت ایران ترقی کرد در کنفرانس های آتیه ماورین ایران را حق گفتگو باقی باشد

شرط ثالث در قرارنامه نمره (۱۳) است و حق عدم قبول فصل دوازدهم و نوزدهم و بیست سیم را در حق دولت علیه ایران شرط کرده اند (دول آسیا کلیتاً همین شرط را نموده اند) فصول دوازده و نوزده راجع بر اندازه توفیق کشتی های جنگی در بنادر بی طرفند ، و فصل بیست سیم راجع بر این است که دول بی طرف می توانند بکشتی هاییکه به تصرف دشمن افتاده اند و عجبوساً به بنادر دولت بی طرف می آورند راه داده و از آنها نگه داری بکنند

باین ملاحظه جناب ممتاز السلطنه عدم قبول این فصل را شرط کرده است که اگر وقتی یکی از دولی که در جنگند بخواهد متصل کشتی های توقیف شده طرف مقابل خود را به بنادر خلیج فارس بیسورد دولت علیه ایران بر حسب امضای این قرارنامه ولو اینکه بالاختیار هم باشد بر مراعات ترتیبات مندرجه فصل مزبور مجبور نشود

راپورت کلیه امورات کنفرانس

(صلح لاهی بطور خیلی اجمال)

طول مدت این کنفرانس دو مقابل کنفرانس اول

شد، ولی نتیجه مذاکرات کنفرانس دویم تقریباً ده مقابل کنفرانس اول است. در کنفرانس اول فقط سه قرارنامه امضا شده و از این سه قرار نامه هم دو فقره آن در واقع سالهای قبل از آن مطرح مذاکره بین الدول در کنفرانس (برکسل) و غیره گشته و مواد آنها مستعمل شده بودند. ولی در این کنفرانس چهارده قرار نامه بین الدول بسیار مفید ایجاد شده که منافع آنها حقیقتاً خارج از حد تعریف و مخصوصاً باره فصول آنها از برای دولت ایران محسنات بی شمار دارند

در قرار نامهای راجعه بمخوق دول بی طرف و محدود اعمال آنها که از خارج زحمت کومنتیه های امتحانیه ثلاثه هستند، که جناب ممتاز السلطنه هم در آنها عضویت داشت، باره نکات ملاحظه میشود که خیلی مستوجب تحسین است. قرارنامه های که از این کومنتیه های ثلاثه خارج شده و بامضا رسیدند

اولاً شروع محاربه را قبل از اعلان جنگ بطور های لازمه قدغن میکنند

ثانیاً در موقع جنگ تصرفات و مداخله دول محارب را در خاک دولت بی طرف و عبور قشون و اسلحه و آذوقه را از آنها ممنوع میداند

ثالثاً قرار نامهای راجعه بقوانین جنگ را اصلاح کرده و امنیت کامل به دول و اشخاص بی طرف و یا غیر محارب میدهد و بسرگردان قشون و حکام و غیره در ایام جنگ مقرر مینماید، که در خارج میدان جنگ کلیتاً در نگاه داری مراودات صلح مساعی کامله عموده و طوری رفتار نمایند که تجارت و صنایع بحار و اتباع دول محارب و دول بی طرف بی صدمه بماند.

رابعاً در قرارنامه مخصوصه تکلیف دول و اشخاص بی طرف را در موقع جنگ بطوری معین می نماید که دول محارب را حقا قدرت زور بر آنها باقی نباشد و در قرارنامه های دیگری مجدداً تیر و نارنجک اندازی را از روی بالون در موقع جنگ قدغن میکنند

از جمله قوانین دیگری هم راجع بقرار و مدارهای بسیار مفیده در موقع جنگ بحری است و بموجب آن تیر اندازی بشهرها و دهائیکه مسلح نیستند و قدرت دفاع مدارد قدغن شده، و گذاشتن نارنجک های دریایی را بمواقع و به عمل های مینه محدود مینماید، بطوری

که من بعد جان مردم بی طرف از این صدمه ما محفوظ خواهند بود، و دول محارب نخواهند توانست که در هر جا و محل که دلشان میخواهد نارنجک بگذارند و از آن همه صدماتیکه غفلتاً در موقع جنگ و مدتها بعد از آن بکشتی هاییکه بآن نارنجک ها بر می خوردند و کروورها نفوس و مال مردم در آن واحد غرق دریای عدم می شدند، ظلم انسانیت من بعد مصون خواهد شد، و دول محارب نخواهند توانست بزور تهدید تیر بارانی از این قبل شهرها و امکنه سوزسات بگیرند، مخصوصاً قرار نامه فقره استعمال هر نارنجک زیر دریایی که يك ساعت بعد از گذاشتن آن ضایع و بی صدمه نمی شود قدغن مینماید، باین معنی نارنجک های دریایی را فقط در صورتی دول محارب حق استعمال خواهند داشت که جوری آنها را بسازند ~~که~~ به مجرد رفع احتیاج همه آنها بی صدمه بشوند، و مردم بی چاره و بی گناه ندیده و نفهمیده يك دفعه به محض خوردن کشتی خودشان با آنها معدوم نشوند.

قرارنامه هفتم هم قرار و مدارهای لازمه را در ترتیب جا و مکان و شکل تبدیل کشتی های تجارتنی بکشتی های جنگی میدهد، و من بعد از صدمات این مسئله که تا حال قرارنامه نداشت دول آسوده خواهند شد، قرارششم ترتیب رفتار دول بی طرف را درینادار خودشان در باب کشتی های دول محارب معین می کند بر حسب تکلیف دولت انگلیس در کنفرانس می خواسته اند که در موقع جنگ (کونزباند) یعنی قدغن حمل اسلحه و ملزومات جنگ را بدول محارب منسوخ نمایند، و این تکلیف انگلیس را بیست و شش دولت قبول نموده بودند، ولی چون اکثریت آرا حاصل شده بجائی نرسیده

انگلیسها می خواسته اند که در میان همین بیست و شش دولت قرار نامه بسته شود، ولی آنها چون بر خلاف قاعده است یعنی ممکن نبود که در خارج کنفرانس قرار نامه بسته شود مساعی طامورین انگلیس عجزان بی نتیجه ماند، و محتمل است که دولت انگلیس در تحصیل این مقصود باز اقداماتی در نانی بکنند، از دولیکه همراهی بدولت انگلیس داشتند یکی هم سفارت فوق العاده دولت علیه بود بصلت اینکه اگر این مقصود

حاصل می شد برای دولت ایران فرجه در موقع جنگ بدست می آمد. چون ماقوه بحریه نداریم لابد برای حمل اسلحه محتاج کشتی های دولتی طرف می شویم، و اگر قذفن حالیه منسوخ بشود معلوم است بعضی از دول محض همراهی باطنی در تسهیل امر و حمل ملزومات جنگ برای دولت علیه ایران مضایقه نخواهند کرد

قرارنامه سابق راجعه بحکمیت و رفع منازعات بین الدول بواسطه کبسیون تحقیقات و وسائل دیگر در این کنفرانس خیلی اصلاح شد، و می و نه فصل جدیدی که تفصیل آنها را در شماره های قبل نوشته ایم بقرار نامه های سابق افزوده شد، حذف فصلی که ایران را از حکمیت محروم کرده و از مساوات بین الدول بهمانه وجود حقوق خارج از ملکیتی در ایران بی بهره می گذاشت از همین قرارنامه بود، و بطوریکه تفصیل آنرا در شماره قبل نوشته ایم روزنامه مخصوص کنفرانس در جزو صورت مجلس آن این خدمت مهم جناب ممتاز السلطنه را با برابری و به علم انسانیت بعنوان فتح درخشان آسیا نوشت و منتشر ساخت، و سیاستون باین خدمت نماینده ایران خیلی اهمیت می دهند، و اغلب روزنامه های فرنگستان مکرر شرح و بسط آن را می نویسند

پس تاسیس محکمه دائمی حکمت بین الدول بطوریکه در عمره های سابقه نوشته ایم اعلات عدم موافقت نمایندگان دول در کنفرانس در مسئله تقسیم حضور قضات خودشان در محکمه دائمی عجبالتاً معوق ماند، مراتب این مسئله را سابق مفصلاً نوشته ایم، و مطامحه کنندگان می دانند که جناب ممتاز السلطنه تا چه درجه سعی کرد تا این مسئله معوق ماند، و ترتیبی که بدون مساوات دول در باب تقسیم حضور قضات مطرح مذاکره شده بود متروک گردید، بجهت اینکه اگر مساوات بین الدول را در مسئله حضور قضات ملاحظه نمی کردند، این فقره بکلی برخلاف قوانین بین الدول بود، لهذا با وجود اینکه قرار و مدارهای این محکمه از هر جهت بطور بسیار خوب نوشته و حاضر شدند، چون در باب فصل راجعه به تعیین قضات آن نماینده اول ایران و همراهان آن اتفاق نموده و رأی بالمساعد

دادند، لهذا کلیه این امر معوق ماند، فقط توصیه بدول نوشته شد که در میان خودشان قرار لازم را راجعه بفصل مزبوره و تعیین قضات گذاشته و بعد از اینکه موافقت کامل میان آنها حاصل شد قرارنامه را که تهیه شده است بموقع اجری بگذارند.

در قبول این توصیه نیز جناب ممتاز السلطنه و همکاران شان متفق الرأی شده شرط وقید کردند که در مذاکرات این عمل باید مساوات بین الدول را کاملاً مرعی داشت، و هرچه بر خلاف این نکته باشد باید بکلی خارج از مذاکرات دول در این امر بشود

حال لازم است در موقع مذاکره این فقره دولت علیه این قید و شرط را منظور نظر داشته و حتی الامکان قبل از مشاوره با جناب ممتاز السلطنه و اطلاع از رفتار و خیال دول دیگری که حالت ایران را دارد اقدامی ننمکند، و الا اگر بر خلاف این ترتیب رفتار شود صدمات معنوی بر استقلال دولت علیه خواهد داشت و از مساوات بین الدول محروم خواهد بود

همچنین در همین قرارنامه است که بر خلاف کنفرانس اول عموم دول رأی موافق براساس حکمیت مجبوری دادند، ولی در ترتیب جزئیات آن اتفاق کامل حاصل نشد

باوجود این در قرارنامه ختم مجلس نوشته شد که کنفرانس متفق الرأی اساس حکمیت مجبوری را قبول دارد، و معترف است که باید باریه منازعات را خصوصاً آنهایی را که راجع بر اجرای قرارنامه های بین الدول هستند بحکمیت مجبوری رجوع نمایند، و اعلام می کند که اگر عمالتاً قرارنامه مخصوصی در این مسئله منعقد نشد، اختلافاتی که در رأی نمایندگان دول حاصل گردید فقط در مسائل حقوقی بودند

مسئله دیگری که بموجب قرارنامه مخصوص حکمیت مجبوری در آن مقرر شده این است که من بعد در هیچ موقعی قبل از رجوع بحکمیت از برای فصول مطالبات مسنده اتباع خارجه از دولتی نباید بای لشکر کشی و محاربه بمیان بیاید

از بزرگترین خدمات این کنفرانس به علم انسانیت یکی هم تاسیس محکمه بین الدول توقیفیات ایام جنگ است، و باین کار خصوصاً در فرنگ خیلی اهمیت میدهند

بجهت اینکه در واقع این امر راجع بدول معظمه است و اینک بموجب این قرارنامه جدید دول معظمه که سابق محاکمه مسائل توقیفات ایام جنگ را اعم از اموال دشمن و یا دول و اتباع بی طرف فقط بمحکمه های خودشان رجوع میکردند ، ولی حالا محکمه بین الدول عالیه بالا دست محکمه خودشان تأسیس مینمایند ، و سرکردگان خودشان را من بعد لابد باید در موقع شکایت بمحکمه قضات ملک دیگر بفرستند ، و فتوای آن را در حق سرکردگان خودشان مجری دارند ،

این مسئله از امتیازات بزرگی است که دول معظمه بیکدیگر و بسایرین دادند بطوری که در روزنامه های انگلیس ملاحظه می شود ، مات انگلیس خیلی ازدادن این امتیاز به قضات دول دیگر و مجبوریم رفیق صاحبمنصبان و سرکردگان انگلیسی به محکمه بین الدول اظهار شکایت میکنند ، و می نویسند که مات انگلیس راضی نخواهد شد که همچون امتیازی بخارجیه داده شود ، حقیقتاً متمسکالسلطه در تحصیل حق حضور قاضی ایرانی در این محکمه خیلی زحمات فوق العاده کشیده حتی که براسی دولت و مات ایران در این محکمه تحصیل نموده است بالنسبه بقوه بحری و تجارتی ایران خارج از حد تصور است ، یعنی حتی که برای دولت علیه تحصیل شده است ، چندین مقابل بالا از حقوق دولی است که دو بیست الی سیجاه مقابل قوه بحریه و تجارتی آنها بیشتر از دولت ایران است

بموجب قرارنامه نمره (۱۰) اجرای قرارنامه های نو را که برای جنگ های بری هستند در محاربات بحری هم مقرر کردند ، و در این موقع اقدامات نایندۀ ایران دعوای سی ساله دولت عالیه درباب استعمال صلب احمر بکلی رفع نمود ، و بطوریکه در شماره های قبل نوشته ام تمام دول اظهارات معزیه را بر حسب خواهشی که کرده بود قبول کردند ، و کنفرانس با کثرت آرا استعمال شیر و خورشید احمر را بجای صلب احمر در ایران تصدیق نمود ، و نایندۀ اول ایران در فوق امضای خود در این قرارنامه مخصوصاً این طور نوشت (بشرط و قید حتی که کنفرانس قبول و تصدیق کرده و بموجب آن دولت ایران عوض صلب احمر در هر موقع شیر و خورشید احمر استعمال خواهد نمود)

این اجمال نامی مسائل و قرارنامه های کنفرانس صاحب بود که نوشتیم ، و انشاء الله اگر فرصت کردیم درانی برای استحضار خاطر مطالعه کنندگان نامه مقدمه به ترجمه چهارده قرارنامه که از این کنفرانس خارج شده اند خواهیم پرداخت ، و اهمیت و مناسبات آنها را هرگز با این جملات نمیتوان درست تصور کرده و خاطر نشان نمود ،

مسبوکارتی که یکی از متمولین نمره اول آمریکا است (۵) ملیون فرانک پول داده است و در لاهی مشغول ساختن قصر بسیار عالی برای اداره صلح و صفای بین الملل هستند ، روز آخر کنفرانس رحب تکلیف نایندگان دولت فرانسه عموم نایندگان دول توصیه نامه قبول کردند ، و جزو صورت مجلس ختم مجلس شد ، مبنی بر اینکه کنفرانس از دول امضا کننده قرارنامه ها خواهش میکند که در ترتیب اساس قصر صلح لاهی عموداً شرکت نمایند ، و هر یکی از دول از اتمه و صنایع مملکت خودشان برای این عمارت صلح بین الدول هدیه بکنند ، بطوریکه اساس این قصر از اعلام و داده عموم دول است ، مرکب از اتمه و صنایع عموم آنها هم باشد

حال به تر است اولیای دولت عالیه عرض افتخار ایرانیان از اتمه و اشیاء نفیسه ملی وغیره بنام نامی دولت عالیه باین اداره بفرستند که همیشه در این مقام عالی یادگار مانده و مانۀ افتخار ایران بشود ، بعقبه ما اگر از کاشی های بسیار اعلای ایرانی که اشعار ادبای ایران را هم داشته باشد مجموعه ارسال شود خیلی مستحسن خواهد بود ،

عقیده بعضی از سیاستیون و جمعی از طالبان صلح و صفای بین الدول این است که کنفرانس دویم لاهی ترقیات زاید الوصف در ترقی علم تمدن و انسانیت از پیش برده ، و کلبتاً مردم نمی توانستند به ترقیات عالیه درست از خدمات این کنفرانس مطلع شده و قوانین جدیدۀ آنرا بموقع اجری بگذارند ، و بهترین وسیله تحصیل مقصود اصلی این قبیل کنفرانس ها این است که دسته از صلح خواهان و مردمان عالم و نیک نفس انجمنی تأسیس نموده و جمعی را برای ترغیب مال و تشویق آنها در استحكام مراودات دوستانه بین الدول امور و کسب

مکتوب یکی از ایرانیان غیور

از مدیر محترم جریده مقدس استدعا آنکه ترجمه ذیل را که از روزنامه معتبره (اسپکتیتور) که یکی از جرید هفتگی انگلیس است در روزنامه جدول المنین درج فرمائید، تا هموطنان عزیز بخوانند و بدانند که جرید انگلیس در حق اختلال اخیر وکلیه امور ایران فکر شان چیست و بایچه چشم می نگرند (حاجی شیخ حسن)

ترجمه روزنامه اسپکتیتور

(مورخه ۲۸ دسمبر ۱۹۰۷)

(اختلال ایران)

عقد اتصالی که مؤخرأ در میان دولتین بریتانیای عظمی و روسیه بسته شد بسیار بوقت و موقع بود، اگر این اتصالی نبود تهلک عجربه عظیمی در میان دولتین محتمل و موجود بود. قطعه وسیع ایران که از مدت طولانی خراب است به نهایت درجه خرابی رسیده و این خرابی نزدیک کرد اختلال موجوده را.

ایران مالکیتی است که دارای چهل میلیون نفوس بود، شایسته اهمیت و در عقل و صنعت و علوم فایق بسیار ملل آسیا، ولی بواسطه معاملات غدارانه حکومت مستبده مسئله، جمعیت ایران به شش میلیون تنزل کرد، رسماً ادعا میکنند که نه مایهون است، که نصف بیشتر این نفوس دهقانی هستند که قسمت زیادتر از مالیات را آنها میدهند، این بقیه خرابه که از این ملک ویران مانده باز سه مقابل خاک فرانسه است، ششصد و هشتاد هزار میل مربع میباشد.

ایران مالکیتی است بسیار خوب، اگرچه یک قسم جزئی از این ملک صحرا و نالایق برای آبادی و آبیاری است، ولی قسم کلی او یکی از قطعات بسیار حاصل خیز دنیا و قابل همه جور آبادیها است، این مالکت باین خوبی از طرف حکومت مسئله ظلمانه اداره شده، و اهالی او از طرف شاه یا ظلمها اخافه شده، و باین واسطه در حکم یک زمین است که منتخب شده از برای شاهزادگان که هر جور خواستند کردند، شاهزادگانی که هیچکس منع ظلم آنها را نمی توانست بکند، و شاهزادگانی که تمام قوت خود را صرف هوس و تکلیف خود میکردند و استقلال شخصی خود را

مالک مختلفه روی زمین نمایند، که این مأمورین که زوار صلح و صفای بین الدول نام خواهند داشت به نام ملک رفته بصدق ها کرده و عموم ملل را بدون استثناء متوجه خدمات و مقاصد این کنفرانس نموده و آنها را در استحکام اجرای مراودات دوستی و یگانگی مابین خودشان دعوت و تشویق نمایند.

تولید این خیال بسیار مفید در خود کنفرانس شد، و مدیر روزنامه مخصوص کنفرانس که مروج عمل است در این باب شرحی خدمت نماینده های دول در لاهی نوشته و عقاید آنها را در این مسئله استعلام کرد، شرحی هم نماینده ایران نوشته بود، بعد از آنکه جواب مأمورین دول به مشارالیه رسید عین آنها را در روزنامه کنفرانس درج نموده، عین روزنامه مزبوره که متضمن جواب منتخبین نماینده گان عموم دول در کنفرانس بوده است با دانه رسیده، اینک ترجمه جواب نماینده اول ایران را ذیلاً می نگاریم

عجارت طهران در لاهی

مسبو (رستد) عزیز من - از وصول دو فقره مراسله پست چهارم و پست پنجم ماه ستمبر شما که بنمایندگان دول نوشته اید، و معلوم است قبل از وقت در روزنامه مخصوص کنفرانس هم ملاحظه کرده بودم بی اندازه خوشوقتم، و از صمیم قلب شما را تبریک میکنم، از این قسم فکر بسیار عالی که در استحکام صلح عمومی و ترویج این خیال بسیار محبوب بنظر شما رسیده است شخصاً من هم از مسئله توصیه که در این باب میبخواهید در کنفرانس از طرف نمایندگان دول قبل از ختم مجلس بشود کمال مساعدت را دارم، صرف نظر از این مخصوصاً خورش وقت خواهم شد که در تحصیل این مقصود کمال همراهی را از شما بکنم و بجهت همین است که دفتر خانه من مشغول ترجمه مراسلات شما برای مطبوعات ایرانی است، و یقین دارم که روز نامجات ما هم با کمال میل نهایت همراهی را در انتشار خیالات کنفرانس صلح که منظور شماست بعمل خواهند آورد می توانم مطمئن باشید که پیشوا این زوار صلح بین الملل را در وطن من که سلطنت گاه افکار صلح و صفا است به بهترین وجه پذیرائی خواهند شد.

لطف کرده مسبو (رستد) عزیزم احترامات فایده مرا نسبت بخودتان قبول بکنید

برای جمع کردن مرگوبه آسایش و استراحت شخصی، در این اواخر خاندان سلطنت حاضره قوه مادی و معنوی خود را مفقود کرده، یعنی هم اقتدار و هم محبتی را که خلق بایشان داشتند و حالا چنان منفور ملت شده‌اند که هیچ معاون و حامی ندارند، مگر پاپول.

شهر دوم امپراطوری ایران که تبریز است نظر باخبارات هفته گذشته توجه مخصوص خود را از خاندان سلطنت سلب کرده، به زارعین، هابا، و اهل شهر متغناً بغض و عداوت خود را آشکار کرد. اهل تبریز بواسطه نزدیکی بسرحده روسیه تشکیل مجلس دوما را در روسیه شنیده آنها نیز پارلمنت در خواست کردند و در کمال عقل پارلمنت را با وکلای او صاحب شدند، زیرا شاه میترسید از عصیان که در آخر بکشتن خودش منجر شود، لهذا بخواهشات ملت تسلیم شد.

شاه حالیه مردی است تنگ حوصله یا بعبارة اطری میتوانیم بگوئیم که مقتدر نیست بفهمد که بعد از این امتیاز که به ملت داده شد او اختیار ندارد هر چه بخواهد بکند و هر چه بخواهد از رعایای خود بدست آورده برای کیف و هوس خود کیف مایشاء خرج کند.

نظر باخبارات مخبر صاحب معلومات (تایمس) که میگوید شاه خیال میکرد که معاش معتدبه که صد هزار لیره است معین شده است تنها برای صرف جیب خاص، این بود که استنکاف کرد از تأدیه معاشات که تا امروز از جیب شاه داده میشد، حق بانضمام معاشات زنان بیوه حرم قدیم، این بود که درباریان شکایت کردند و شکایت متوالیه آنها شاه را تحریک کرد بدیوانگی، ترس از درباریان خابن مرفوع شد، و شاه فهمید که وقت آن آمده است باز شاه مستبدان بشود، عساکر معدوده حاضر السلاح را بانضمام بعضی از مردمان طهران که بتوسط درباریان تحریک و تشویق شده بودند برای تخویف پارلمنت امر داد، صدراعظم عبوس شد، و بقتل میرسید اگر مأمورین انگلیز و روسیه دخالت درکار نمیکردند، بعد از حبس از ایران نفی شد، هست و نیستش نیز از طرف شاه ضبط شد، مشروطه طلبان و کلیه اهل شهر از این کار غضبناک شدند و با تمام قوت برای حفظ حریت خود و قانون ایستادند.

و میدانستند که از طرف شاه کاری ساخته نخواهد شد لهذا شاه از يك عصیان عمومی ترسید، يك دافعه دیگر باز قسم خورد و تدارکات خود را که حاضر کرده بود متفرق کرد.

اگر روسیه قوتی را که پیش از جنگ ژاپون داشت حالا هم میداشت ارکان عسکریه او امپراطور را مجبور و وادار میکردند که برای حفظ دوست امپراطور (یعنی شاه) و حقوق سلطنت ایران قوه عسکریه بایران سوق نماید و این عسکر هم هیچوقت از ایران بر نمیگشت، استقلال، شال ایران کلبناً به نهایت میرسید و این حرکت هم البته باعث تهلکه برای هندوستان میشد، و در خود هندوستان کلیه اقوام اختلال میکردند و از برای محاربه فریاد میکردند و ما هیچ وجه خاطر جمع نیستیم، در انگلند در حالی که يك رقابت قویه بر ضد روسیه از سال (۱۸۵۵) متحد است مردمیکه فریاد میکردند برای ضبط جنوب ایران این ضبط را پیش بینی میدانستند، ولی این ضبط خطائی بود که مقاومت نمیشد کرد، هر حال آنهایی که مترض شدند و نگذاشتند در نظر سایرین کوتاه بین اعلان شدند، اما این پیش بینی که ضبط طرف جنوب ایران باشد همه حال کار را بجزئی میرساند که امروز دو دولت امپراطوری را هم ملاتی میکرد، از هزار و بانصد میل مسافت و تبیجه این ملاقات اگر يك محاربه عظیمه دوری را هم باعث میشد، البته سبب مخاطرات عظیم میکردید.

خوب است که شرط اعظم داده بشود این است که ایران باید با استقلال خود باقی بماند و اگر ماحدیتا بهمیم ملاتی (سرادودگری) را که روز بچشنبه گذشته کرد یعنی این معاهده همین است، الا اینکه اهل اروپا قتل عام بشوند (متصود گویا محاربه عمومی است) دولتین از مداخله بامورات داخله ایران اجتناب خواهند آورد، از مداخلات مداخله اجتناب خواهند کرد، ولی کلیه بطارت را خواهند داشت، مردم را بحال خود ترك خواهند کرد، که با حکومت خود جنگ خاصی را تمام کنند مردم ایران پارلمنت را مثل آتی استعمال میکنند، اما شاه باز می‌نواهد که تمام وکلا را یکدفعه حبس کند، و این بسیار محتمل است که باز بقاعده

و قانون قدیم خود که داشته مراجعت کنند ، اگر ما تاریخ را صحیح خوانده ایم این ملت عاقل و هنرمندند ، ایرانیها یا سلطنت حالیه ایران را منقرض کرده و در عوض چندین خانات و حکومتهای منمده تشکیل خواهند کرد ، یا اینکه بجهت حفظ شرف و افتخار مملکت قدیم خودشان که يك وقت بسیار مشهور بود قارهائی را که مغرب مملکت است دفع کرده و يك شاه جدیدی از سلسله جدیدی انتخاب خواهند کرد ، اگر توانستند که بکمرد عاقل و بصیحتی برای سلطنت انتخاب کنند ، که محتمل است بکنند ، آن وقت ایرانیها را میتوان زبرکترین اقوام مملکت آسیا شمرد ، آن وقت کارها بکلی خواهد شد برای دوسه پشت ، مأمورین آن وقت معاش خواهند گرفت و باین جهت زمینهای حاصل خیز و دعات و شهرها دوباره آباد خواهد شد ، درمیان آسیای وسطی و ارمنستان ترکیه ، این بهترین مواها است که از برای این ملک بدبخت ما آرزو میکنیم ، مردم انگلیز بالطبع خیال میکنند که باوجود يك شخص حکمدار یا وکیل همه نواقص اصلاح و همه اسباب تهیه و احضار خواهد شد ، اما فکر نمیکند که این مردم که ما در حق آنها حرف مبرزم جماعتی هستند مسلمان و معتقد بقرآن و اخبار پیشین گوئی و چنین حس میکنند که جداً لازم نیست تغییر و تبدیلی بمقتضای زمان درکارها داده شود و ممکن است که فردا پارلمنت احساس گرسنگی را جهان اندازه که دربار میگرد بکند ، و یکدفعه هم پارلمنت بفرق ادا کرد و سی کرد که قوه اجرائیه را نیز خود در دست بگیرد ، و این کاری بود که مطلقاً آخر منجر میشد باختلال و آمارشیت ، عامه مردم خاصه مردم شهرها آرزومند يك شاه (اما يك شاه عادلند) و چنان کن میکنند که او تنها اینها را از ظلم مستبدین و اعوان آنها حفظ تواند کرد ، شباهت انقلاب ایران با انقلاب فرانسه بسیار بدیهی است اما فرانسه ها يك فکر صحیح و سالمی داشتند که برای دعوا حاضر بودند ، و در تاریخ انگلیز که امروز تمام مردم ایران بترقیبات او با نظر حسرت مینگرند معلوم است که شاه خود را که مجرم بود مقتول کردند ، در تمام واقعات تاریخیه دیده می شود که بقا و قوت پارلمنت منحصر بجهت و فداکاریهای ملت است .

درمیان چند هفته ما خواهیم دید که این اختلال و انقلاب چگونه رفع خواهد شد ، ولی ما پیشتر از يك پارلمنت يك پادشاه عاقل را برای ایران آرزو میکنیم ، در هر صورت ما صادقانه امیدواریم که دولتین انگلیس و روسیه در پیشرفت کار خود سعی خواهند کرد و حقوق خود را از دست نخواهند داد ، هیچکدام از این دو دولت از روی تصاحب يك ملك تازه را که ویران و باعث خرج زیادی برای آنها است ندارند ، آنکه روسیه است نمیتواند بعد از این متحمل شود مصرف زیادی را که پیش از این خیال میکردند برای مدافعه از هجوم انگلیس ، و ما هم سرباز زیادی نداریم که با روسیه بجنگیم ، سبکها سرباز های جنوب هستند بخصوص در مقابل روسیه ، اما سبکها از حالا از تحریر عسکر اجتناب میکنند و میگویند ~~که ما~~ ما عیاناً ایشان کافی نیست که حفظ وقار خود را بکنند ، کجا مانده برای عسکر ، و میگویند وقتی که ما دعوا میکنیم دعوا میکنیم با تمام جهد و سعی و قوت خودمان ، اما این بهتر است که اجتناب کنند از ضم و الحاق مصارف عظیمه که در سالها نمی توانند برداشت ، زیرا نمی توانند مصارف عساکر لازمه مستحفظ را پردازند .

قابل توجه امنای ملت

(می گویم و می آیمش از عهده برون)

کاری هم به عبارت بردازی ندارم ، یعنی هم ما را از مطلب دور می اندازد و هم بد طولانی نداریم ، بهتر این است صاف و صریح بگویم ، تا همه بفهمند ، امروز چشم و چراغ طایفات دولت مان کمرکات هر جا است ، آخر برای چه عطف نظری بسوی آنها نمی فرمائید ، در بدو افتتاح اساس مملکت عهده مطایب که مطرح مذاکره شد اصلاح این اداره بود ، (نوز) را عزل کرده (بوز) را بجای او مقرر داشتند ، سپس آسوده بخواب راحت رفته که وزیر مالیه را مسئول میدانیم ، اداره مالیه هم هر بازده روز بیکی واگذار شده ، مسئول را نخته و تاوت دانسته ، باجیک ما هم که عهده آمل و آرزویشان در هرچ و سرچ وعدم ناظر و دخل خرج شان بود ، دو بان و قصیده و دو دست جفتک زده ، حجره را بی اختیار بده کرده و می کنند آنچه

بخواهند ، غفات تا کی ، تسامح تا چند ، حق است که مجلس مقدس اوقات مبارک را بیکار نگذرانید ، اما الایم فالایم را منظور نداشته ،

چه قدر نامه مقدسه فریاد و افغان نمود ، نوحه سرانی و قلم فرسانی و راه نمایی نکرد ، که مهم ترین امور اصلاح و انتظام اداره طالبه و عسکریه است گویا ابداً بخرج زفته ، و آراء سائبه دانشمندان را افسانه پنداشته اند ، چه قدر باعث سوختن دماغ و انسداد افکار خردمندان است که انسان شب و روز فکر کند و راه علاج و چاره برای نجات این وطن عزیز از ممالک معین نماید ، و با منای ملت خود برساند ، یا ملاحظه آن نمایند ، یا ملاحظه کرده فقط قانع شوند به تصدیق درستی آن یا اگر اقدامی کنند سرسری باشد و بی نتیجه بماند

بنده را که بحکم استبداد نمی رسد نکته گیری از مجلس مقدس نیام ، لیکن بحکم قانون عتلی که متضمن مشروطیت است می توانم هر نواقصی بنظرم رسیده عرض کنم ، چون مایه نمی بینم و حکم استبداد از حرکت قدری باز مانده عرایض صادقانه یا آراء ضعیفه خود را تقدیم می نمایم

چنانچه بخواهم ثابت نمایم که تاکنون يك قانون از قوانین مشروطیت در این مملکت بمحل اجرا نرسیده بخوبی ممکن و شاید احسبم منکر عرضان نباشد ، یا اگر بخواهم عرض نمایم که هیچ اصلاحی در مملکت و ادارات دولت بصورت وقوع نرسیده گمان نمی رود کسی رد قولمان نماید چه مطالبی است مشهور و محسوس اگر کونه نظری مدعی شود و تشکیل انجمن ها را دلیل اجرای يك قانون بداند در جواب بيك دليل قاطعی او را قانع توایم ساخت و آن این است که اگر انجمن های ایالتی و ولایتی تا زمانیکه همین وضع حالیه حرکت و گردش می نمایند عدم و وجود شان مساوی خواهد بود چه اختیار ایشان فقط در کتابچه نظامنامه است و یا خود مایل باجرائش نیستند ، یا رعایت حکومت آن محل را می نمایند بلکه بعضی از آنها گویا استبداد را از حکومت جاب کرده در زیر مسند خود گذارده و بموقع خود مثل لولو نشان مردم می دهند که بدانید هنوز زفته متهیا نقل مکان فرموده

و اگر انجمن های متفرقه را گویند آنها هم از دوشق خارج نیستند یا عرض شخصی دارند یا نوعی اگر شخصی است که مفاسدش واضح و اگر نوعی است قطعاً مخالف میل حکومت و جمیع صاحب فخران خواهد بود ، و باین لحاظ ارباب غرض بيك نكته معمول معمول نام مقولی وجودش را از صفحه روزگار محو می کنند ، در اینصورت قطعاً همه شريك قول ما خواهند بود ، و تصدیق خواهند کرد که معایب و نواقص مملکت تا کنون بهیچ وجه رفع نگشته ، و کنون اگر بخواهیم دست همه معایب زخم و راه چاره هر کدام را بنویسیم بوسال هیچ يك نخواهیم رسید ، و بنده هم از تشریح جمیع عیوب و نواقص و بروز علاج و درمان آن ها قطعاً عاجز خواهم بود ، پس همان به اهم مطالب معیوب را مروض دارد ، و عقبه فریاد های نامه مقدسه را در باب آن دو مسئله فاضله که روح مملکت و دولت است صدا بلند نموده بعنوان دیگر در جزئیات آن که اندازه ناخت و ناز و هرج عقل و فکر و اطلاع خودمان است رأی و اخبار دهیم ، و استدعا از امنای مات داریم که توجهی فرموده آنچه مقبول است پسندیده و اقدام فرمایند

اولاً عمل اداره طالبه ، هیچ کاری بکلیات آن نداشته و نداریم ، چه که نامه مقدسه در کلیات کاملاً خاطر مبارکشان را مستحضر نموده ، و ما هم باندازه کمال مربوط بآن نیستیم همین قدر عقلا می دانیم که کلیه وزارت خانه ها باید اداره باشند که از عدم بيك ضرر اداره از کار باز نماند

مثل اینکه یکمرتبه هیئت کابینه وزراء تغییر نماید شخصاً پادشاه خود را بجای هیئت هشت زبر جلوه داده و اجراء جمیع امور وزارت خانه ها را بعهده گیرد و بعضی بی گردان هم با کمال مسرت ازین اقدام اعاب حضرت اظهار تشکر نمایند ، خیر این کارها هیچ ربطی بقانون مشروطیت ندارد

مقصود ما در جزئیات اداره مالیه بود ، بيك شعبه بزرگ این اداره ، اداره کمرکات است که ما به هیچ وجه من الوجوه گردش انرا بمجاری صحیح و خط مستقیم قائم نمی دانیم ، بلکه همیشه طریق حرکات آن بمحض امواج دیده و فقط جلوه طاقوسی داشته اند

و عمده اصول قواعد آن از طریق استبداد مراتب و در زمان ملك فروشی مدون كشته است
از جمله صورت قانون تعرفه حقوق گمرکی است
که معلوم نیست چگونه افکار کدام استبداد جامع شرایط
و ریخته قلم کدام مجهد طایع شرایط است ، فعلاً از
يك كاه ناقص شده بر نمی آید که عیوب آن را اندازه
که دلیل اسکا باشد بحضور مبارکشان عرض نمایم ،
ولی همین قدر می دانم که هرگاه این تعرفه در زیر
نظر و ملاحظه حضرات عالی بگذرد قطعاً جمیع
مواد آن تغییر و تبدیل خواهد یافت ، فرضاً تغییر شود
چون بسطه و تصویب مجلس مقدس برسد مات را
قانع و آورده خواهد نمود

من جمله عیوب ریاست نامه و اختیار مطلقه که بدست
بلجیک داده شده ، آیا می دانید تا چه اندازه مات
از این فقره مشتمل و منزجر و آنها را در تحت رقبت
و عبودیت و اداری کرده ، و چه قدر این مأمورین
بلجیکی بجهت اقتدارشان در اداره گمرکات خصوصاً
و جمیع کارهای آن بلده صوماً فرو گردیده ، خود را مالک
الرقاب رب الارباب می دانند ، معنی ندارد که چنین
اداره معذمی بدست چهار نفر خارجه باشد

- علت دارد که رئیس و اختیار بزرگترین
شیان اداره بلجیک با اختیار جهی دشمنان دین و آئین
ما باشد ، و هزار کوه تعدی بر صاحب خانه بنمایند
در حالی که پرورش آنها از زحمت ماست ، ملت چه
قدر تحمل و حوصله کند ملت چه قدر مذلت کشد ؟
ملت چه قدر فلاکت بیند تا چه وقت این ملت
بچاره علیل باشد ؟ و در دست اجانب ذلیل گردد ،
آخر وقوع حصول سعادت چه وقت است ؟ و کسب
شرافت چه هنگام ؟ چه وقت به خود صاحب خانه
باید عاید بشود ، و مختار در کاشانه خود خواهد گردید ،
تجارمان حال خارجه ، اقل این يك اداره معتبر دولت
که در تحت امر و اطاعت مجلس مقدس است از بجهت
اجانب خلاص فرمائید ، بار الهی سزا و زور است که
نوکری از حرج خود آوردن و بیع ثرافد و
و اختیار نامه ، چنین جسمی که بر خودمان عرض و تعرض
ولایت و سبوت و قدرت خرج داده و هر نوع تعدی و
اعتداف نماید ، چه قدر بدبختی است ، مگر به در

یدو اساس مقدس همگی مدعی بودید که این بلجیک ما را
برای معامی آورده اند ، و صاحب اختیار کل نیستند
چه طور شد ، اگر باز بوظیفه خود عمل می نمودند ،
یا کسی ناظر بر اعمالشان بود غمناکتر بود چه کنیم
که بوظیفه خود رفتار می کنند می توأم ، سوگند
یادکنم که ده برابر واصله جانی و عطاری در گمرکخانه
از اطراف مثل راه رود سله نازل می کنند و می
برند ، بی عشور ، هم حقوق دولت با مال و هم خسارت
بیایق نحر بالمال میرسد افسوس که حقیر دلیل قاطع
محسوسی در این مورد ندارم ولی شهرت آن رفیع
زحمت دلیل می نماید ، و عات اینکه شده بین نموده و
تا سوگند خوردن حاضرین است ، که از جهی معتمدین
بکرات شنیده و غالب اوقات فروش اجناس مذکور
را بنا برترین قیمتی که دال است مشاهده کرده ام ،
کذلك انباء خارجه که می گویند کلی می آورند ، قطع
نظر از این ها معلوم نیست عایدی گمرکخانه کاملاً
ب اداره عالی می رسد یا خیر ؟

در کدام دولت مشروطه ماتش از دخل و خرج
گمرکات خود بی خبر است ، عجب تر این است که جمیع
قوساخانه های دول سبیره و کل تجارخانه های
خارجه بوسیله اعلان ماهانه که از گمرک بانها می رسد
از دخل و خرج گمرک با خبر و ما خودمان هیچ اطلاعی
نداریم خدا یا چه گوئیم

(دانی که چه گرم آتش بر سوخته می گیرد)

(این گرمتر از آتش من سوخته تر زانم)

من که اطلاعی درست از باقی گمرکات ندارم ،
ولی می توأم قیاس باقی ادارات را با بوشهر و بنادر
نمود در بوشهر و بنادر آنچه ملاحظه شده همین قرار
است بخدا قسم چنان این بلجیکها نفوذ و اقتدار پیدا
کرده از جمیع ادارات دولتی حتی اداره حکومت
هم نمی تواند چنین اجحافات نمایند ، و بی اعتنائی
کنند چنان بفره استبداد مأمورین امور را مخدول و
منکوب کرده اند که احدی قوه مواخذه ندارد

اگر انجمن و لایحه بموجب وظیفه خود از او
استکشاف مطالبی یا استعلام امری نماید در طهران شایکی
از انجمن ها می شود ، ما هانه هفتصد و بیجاه توأم
می گیرد ، و رجومی که باید حافظ حدود و ثغور ما

با این زودی اقدام سرمائید ، در محکمه عدلیه کبرای اعلی همگی حضرات عالی را مسئول خواهم نمود
از همه برتر اداره عسکریه است ما هیچ کار بکلیه آن نداریم ، علی الحساب همین عده سربازی که موجود و معلوم است چرا منظم نشود ، و یک قانون صحیحی مرتب نگردد که بوظیفه خودشان عمل کنند و اسباب مسخره خودی و بیگانه نباشند

تکرافات داخله ایران

از رشت بقصر

(۱۶ ذیقعدہ)

بتوسط مازندرانی ، حضور مبارک حجة الاسلام آقای حاجی میرزا حسین - و آقای خراسانی - و آقای مازندرانی دامت افاضاتهم - اعلی حضرت خاتم عهد مشروطه نموده - عنای طهران و امنی مجلس مقدس محصوره ، و عده مقتولین غیر معلوم ، اعراض و نفس و اموال در معرض تلف فکری بجهة مات ایران فرمائید ، و بهر قسم رای قرار گیرد ، در حفظ این امور بفرمائید . مطاع و لازم الاتباع است (عموم عنای رشت حاجی خمسی - امام جمعه - آقا شیخ علی - حاجی شیخ علی

جواب تکراف رشت

خدمت آقایان عظام علماء اعلام دمت برکاتهم قبل از وصول تکراف شریف اقدامات لازمه شد ، اشارت رفع غتشانات هم رسیده ، امید که انشاء الله

تعالی اعلی حضرت هابونی زیده بر این استیصال اساس و ملت را روا نخواهند داشت ، و در مکه و قافه قویم مشروطیت عهد و عهد محمد حسین - اللعی خواهند فرمود
محمد کاظم الخراسانی داعی عبده المازندرانی

مشهد به نجف

جناب ، عاب ظهیر الاسلام آقای آقا میرزا مهدی حجة الاسلام زاده خراسانی دام علاه - بجهة مخالفت در نیابت با مجلس مقدس باستدعای عموم ملت جمیع ادوات دولتی بحکم انجمن محترم مسدود و معطل ، تمام اعلی از علما و غیره نهایت تشدید و ایستاده گی را دارند ، از اقدامات نجف اشرف مشروحا تا فرافات بفرمائید
(محمد النجفی)

ملکت بشود ، منصرف می گردد و معلوم نیست کاملاً هم می رساند یا خیر ، احدی از قدر دخل و خرجش مسبوق نیست جز ادارات خارجه ، و جی از هم خیالات خود را مواجب از ۳۰۰ تومانی الی ۱۰۰ تومانی می دهد و بامور معطله مقرر می دارد ، و برخی از نخبه ایرانیان که هر یک قوه گردایدن جمیع اداره را دارند زیر دست و محکوم آنها قرار می دهد ، چرا نگوییم ؟ چرا ننام ؟ چرا حالت احتضار رخ ندهد ؟ چرا قلم در ایجا نغزد و بهبوده سراید ، و عقل از سر نبرد ، و بر قوه مجریه شتم و ملالت نکند ؟ چرا آرام باشد ؟ چرا قرار بگیرد ؟ چرا فریاد زده نبرد از دل نکشد و نگوید وادینا و وطن را شرفا فوس که در این شهر رفیق موافقی و هم قدم صادقی یا قوه حارقی ندارم ، تا آتش در قوه تجریه زسم ، یا خود قوه مجریه این کار شوم ، و کار را یکسره کنم - چه کنم

(نه عمری که پیش او بیان حال گویم)

(نه مهدی که نزد و صراط چاره گویم)

بهر همان دم بستن ، و فقط اظهار عجز و انکسار نمودن ، و بدامان امنای وطن خواهان دست تضرع در آوردن است ، پس روی به مشرق می نمایم و با کمال خضوع و خشوع عرض می کنم یا اولیاء المله و یا امانه اهل المسکنه و الذله و یا را امان العله انظر و الی ما قال و برحوا بهذا الحال و تفکروا المال و لا تقعدوا ملوماً مدحوراً

امر دیگر از امور این اداره که اصلاحش رفع همه گونه تذلیل و تعلیل ، و باعث توسعه اداره معارف و معیشت ابناء وطن و رفع احتیاج ملت می نماید ، تغییر دادن تقریرات و تقریرات در این اداره است ، چه جهة دارد گمرکخانه دولت ایران جمیع مفاخر و مکاتیب و انشآت و غالب تقریرات بافت اجنبی باشد ، آیا می دانند که بی اعتنائی در این امر چه اندازه باعث خواری و عقب نشستن ملت از کار و حدوث بعضی علل و دردهای بی درمان می شود ، طبر می داید چرا ؟

اگر می دانستید جلوگیری می فرمودید ، و تاکنون جمیع ادارات گمرکخانه را ملزوم بنوشتن خط فارسی می نمودید ، باز خائشم که بعد از دانستن هم اقدامی فرمائید ، ولی طبر از ما گفتن است ، می گویم و اگر

جواب مشهد از نجف

§ جناب مستطاب نفع الاسلام آقا میرزا محمد مجتهد نجفی دامت برکاته - تلگراف شریف رسید - غیرت کامله علماء و اهالی خراسان موجب کمال رضامندی آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم شد ، و سابقاً که اخبار موحشہ رسید اقدامات لازمه فرموده اند ، الحمد لله بشارت رفع اغتشاشات رسیده و انشاء الله تعالی اعلیٰ حضرت هابونی بسود و موافق ملوکانه در تشدید اساس قریب مشروطیت وفا ، و زیاده بر این استیصال ملت و دولت و تفرق کله را روا نخواهند فرمود (مہدی خراسانی)

تلگراف کرمان به نجف

حضور حجج الاسلام دامت بابتدائهم ، محمد علی میرزا صراحتاً بر ضد مسالین و اسلام و مخالفت ایمان بقرآن مجید که ہمراهی مشروطیت یاد نموده برخاسته ، و برادران مارا هدف تیر ساخته ، ما مسالمان ایران اورا از سلطنت خلع و منتظر اقدامات خاصه و تفضلات موالی خود هستیم عموم علمای کرمان (داعی شیخ علی داعی میرزا اسماعیل - داعی سید علی - داعی میرزا محمد)

جواب تلگراف کرمان از نجف

خدمت آقایان عظام علماء اعلام دامت برکاتهم قبل از ... شرف اقدامات لازمه شد ، بشارت رفع اغتشاشات رسیده ، امید که انشاء الله تعالی اعلیٰ حضرت هابونی زیاده بر این استیصال دولت و ملت را روا سزایند داشت ، و در مساعدت اساس قریب مشروطیت عموم و ایمان ملوکانه را وفا خواهند فرمود

محمد حسن نجل المرحوم میرزا خلیل
الداعی کاظم الخراسانی
الداعی عبد الله رانی

از طهران به نجف

حضور مبارک آیه الله آقای حاج آقا خراسانی ، و آقای مازندرانی ، دامت ظلالاتهم ، با و اغراض از حرکات شیخ فضل الله و بذل محمود در ... او از زاویه مقدسه که خاطرهای مبارک مسبوق است ، این مدت بمدتقی دشمن مجلس و امداد معاندین اسام سرا مشغول کار بود ، چند روز است علناً شروع و با جمعی قاطر جیها و ساربانان و الواط در میدان توپخانه مقیم ، و حکم بقتل علماء و مجلس خواهان نموده ، محرکین

بهرج مرج ، و قتل و تهب مشغول ، عامه مردم و بلاد در هيجان ، اقدامات مجدده فوری لازم ، جاره فوری صدور حکم تبیید او از آن ناحیه مقدسه است ، تکلیف بلاد را مستقیماً خودشان اطلاع بفرمائید (الاحقر الداعی عبد الله الموسوی - الخانی محمد بن صادق العباطبانی)

جواب نجف به طهران

حجج الاسلام آقای هبانی - و آقای طباطبانی - رفع اغتشاشات حادثه و تبیید نوری را طابلاً اعلام الداعی محمد حسین نجل المرحوم میرزا خلیل - الداعی محمد کاظم الخراسانی - عبد الله المازندرانی

ایضاً از مشهد به نجف اشرف

حضور حجج اسلام آقای حاجی و آقای آخوند و سایر حجج اسلام دام ظلالاتهم - مفسدین مقدم در مخالفت ، دولت در صدد خلف عهد ، تزلزل مشروطیت مستلزم زوال اسلام و مملکت ، اهالی خراسان کله واحده بتمام قوی حاضر ، اوامر مطاعه را منتظریم امضاء - حبیب الله الحسینی - محمد ابن محمد کاظم الخراسانی - ابوالقاسم الحسینی - اسد الله الحسینی - ذبیح الله - محمد رضا الحسینی - حسن البرسی)

از مشهد به طهران

خدمت آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم ، اخبار موحشہ طهران موجب اضطراب خاطر عموم ، و هر چه تکلیف اقتضا نماید ، ولو بحرکت مات بذبریم ، صریحاً آنچه تکلیف است اطلاع داده ، واضح است بعد از این عموم ملت متابعت آراء مستبدین را نخواهند نمود ، (حبیب الله الحسینی - الاحقر اسد الله الحسینی الفزوی - الاقل محمد العجفی)

ایضاً از مشهد بطهران

حضور مبارک اعلیٰ حضرت اقدس هابونی خلافت ملکه ، از قرار تلگرافات ، ظهور مخالفت از امضاء دولت علیه نسبت بقانون اساسی که موثق بامضاء هابونی است شده ، با آنکه تمام هم بجاسبان مصروف اصلاح ملک و تکثیر ثروت و توفیر خزانه و از دیاد ابهت و شان دولت بوده ، اصلاً مترقب خلف عهد و نقض عیمان نبودیم ، گمان داعیان آنکه اقدام بمخالفت بی نتیجه

جد ابستاده از بذل جان و مال دریغ ندارند و خود را رعیت سلطان مشروطه طلب میدانند تمامی ادارات هم تعطیل و روساء ملت و اشراف در انجمن ایالتی حاضر و منتظر فرمایشات هستند ؛

انجمن ایالتی

از تبریز بمشهد

انجمن محترم موافق قانون مشروطیت که شاه ذکر قسم قرآن مجید نموده و حالا تقض عهد باوکلاه ملت و شورای ملی ما نموده در مقابل اینگونه خیانت ملت آذربایجان عموماً محمد علی میرزا را از سلطنت ایران خلع و تلکرافات عذیده چه بحجج اسلام نجف اشرف چه به شورای ملی در خلع سلطنت بخاره شده هم خاق بتمام سفارت خانه ها بطهران رسماً بخاره نموده ایم حتی بقونسولخانهای تبریز کتباً اعلام نموده ایم لازم است جنابانعالی هم در خلع شاه بسفارت خانه ها و نجف اشرف فوراً تلکراف کنید .

(انجمن ملی تبریز و عموم ملت)

جواب از مشهد بتبریز

تلکراف جنابان عالی راجع بختف عهد و مخالفت دولت با قانون اساسی زیارت گردید اهالی خراسان هم به نجف اشرف و طهران مطالب را اعلام نموده بسفارت در اقدامات مجده کوتاهی نخواهد شد ؛

(انجمن ایالتی خراسان)

از رشت بمشهد

حضور مبارک مجاهدین دامت ائیدانهم مجلس شورای طهران مترصد نفوذ استعمار بسرانحشاقان هر قدر زود اقدامات شود دیر است .

(مجاهدین)

جواب از مشهد برشت

در کمال استعداد مساج با تمام قوی بریاست جناب مستطاب آقا سید علی واعظ تبریزی در پیشرفت مقاصد و استحکام مجلس شوری وهم مذا درضد محمد علی میرزا تا قطره خون آخرین حاضریم و اقدامات خودتانرا با نشانه وقومات رشت دربودن رئیس فوق اطلاع دهید

(مجاهدین)

از طهران بمشهد

انجمنهای ایالتی و ولایتی در بن چند روز از

و موجب اغتشاش ملک و زحمت امناء دولت است ؛ تا بحال هر قسم بوده حفظ از بلوی نموده . اگر صدق و ثبات بر مخالفت معلوم گردد . دیگر از قوه داعیان باک از قوه قاطبه امناء دولت هم خارج است . (حیدر الله الحسینی) (الداعی اسدالله الحسینی القزوی) (محمد ابن محمد کاظم)

تلکراف انجمن آئی عشریه خراسان

(بطهران)

خدمت وکلاه عترم خراسان و انجمن مرکزی ازقرار اخبار موخشفه طهران منشوش دوکاکین بسته . مجلسیان محصور و دولت حداً درصدد ترضیع حقوق ملت ، و تخریب اساس مشروطیت ، وزیر مالیه تبعید ، رئیس مجلس محبوس ، مفسدین در میدان با اجاره و اوباش مخالف عدالت ، جوی تا کنون منقول ، عموم خراسانیان حاضر جان بازی ، مراتب اطلاع منتظر اوامر یا هسق خود برای حفظ حقوق حاضر جواب با نشانه مخصوص

(انجمن آئی عشریه)

جواب طهران

انجمن آئی عشریه مشهد و انجمن ایالتی تلکرافات شا عصر روز جمعه رسید واقع همین است که نوشته اید از روز یکشنبه مشق قاطر چی و فراش ادارات تا قابل شهر باستحضار و تحریک جمیع مراکز استبداد در میدان توپخانه بمخالفت مشروطیت جمع ولی از این طرف جمیع حجج اسلام و رئیس مجلس با وکلاه و عموم ملت با نهایت قوت و استعداد ملی از داخل و خارج شهر حاضر هر قسم مدافعه و فدا کاری در راه اسلام و وطن در مجلس و اطراف مجلس جمعند و تا کنون بمدافعه طرف توانستند کاری بکنند ،

و بهر يك از نقاط ایران که اطلاع رسیده است ، حاضر اقدامات آطری در راه اسلام و عدالت به نحو اکل شده اند توجه امام عصر عجل الله فرجه شامل حال ملت بوده و خواهد بود ؛

(وکلاه خراسان)

(از مشهد بطهران)

خدمت حجج اسلام و امناء مجلس مقدس دامت برکاتهم امروزه عموم ملت در انجام مشروطیت بساق

حسبیت غیورانه جان فشاییهای عموم اولاد وطن در حفظ استحکام و استقلال مجلس شورای ملی و مدافعت اساس مشروطیت و رفع مشکلات و مخاطراتی که بر ارکان مقدسه این اساس عدل و آزادی متوجه شده بود نهایت تشکر حاصل و امیدواری کامل شد که بن ملت نجیب از هر نابت مستحق این عطیه خداداد است در محافظت این اساس که محیی استقلال و سعادت وطن است هیچکس از نذل مال و جان مضایقه نخواهد داشت بمحذات و اله در سایه غیرت و جوانمردی که اینها و وطن اختلافات مرتفع و شرائط و مسئولیات مجلس شورای ملی کاملاً حاصل و به تجدید قسم و حکمت قرآن مجید تزلزل قلوب رنبدیده را نهایت اطمینان از حسن نیت و فرط رافت پادشاه محکمت مبدل نمود، لهذا مجلس شورای ملی از انجمنهای محترم و اهالی غیرتمند ایران قویاً تقاضا دارد، که هیچان و تعطیل امور و دوائر را موقوف داشته در نهایت امتنان و تشکر بیشتر از پیشتر به پیشرفت مفاصل مجلس شورای ملی مطمئن بوده مثل سابق هر کس مشغول کار خود مرفعه الحول و دعا گو باشد،

(شوراء ملی)

تذکره از مشهد بطهران

خدمت ذمهوریت علماء عظام و حجج اسلام و وکلاء مجلس دارالشورای کبری دامت تائیداتهم در این قضیه هائیه که اندق افتاده اسباب اخلال حواس عموم اهالی خراسان شده که در تکلیف خود متحیریم اجالا بر خاطر مبارک معلوم باشد که عموم اهالی خراسان از علماء و تجار و غیره در همراهی با خطیالات مجلس مقدس و پیشرفت مشروطیت با جان و مال حاضریم باغاً تا بلغ حق به آمدن طهران بیست اجتماع یا محو اند بهیچوجه دست بردار نیستیم و منتظر امر مجلس مقدس و علماء اعلام هستیم (امضاء)

(حبیب الله الحسینی) (اسدالله الحسینی الذویبی)
(محمد ابن محمد ناظم الخراسانی) (مرافعی الحسینی)
(محمد طاهر الحسینی) (ابوالناسم الحسینی) (علی ابن حبیب الله الحسینی) (محمد علی ابن ابو محمد)

از مشهد باصفهان

حضور مبارک حجج اسلام تلگرافی که در خصوص

تجدید از مخالفت اساس مقدس مشروطیت بخبره فرمودید و ناشی از فرط عارست در حمایت شریعت است عنوصول بخشید ضیاء العیون ملت وقاصم ظهور مستبدین گردید نهایت امتنان از این اقدام که باشاره و بخت امام زمان عجل الله فرجه و علیه و علی آباء المصومین افضل السلام حاصل و از عین مساعدت آن ذوات مقدسه تلگرافی از مجلس مقدس شورای ملی که مشعر بصلح بود شرف نزول بخشید البته به آن ناحیه رفیقه نیز مثل این بخبره شده در اینخصوص اگر اطمینانی حاصل شده ابلاغ فرمائید که موجب مزید آسایش است عموم ملت خراسان همراهی در این نیت مقدسه دارد

از مشهد بطهران

خدمت وکلاء خراسان دامت برکاتهم تلگراف مشعر بر صلح و رفع اختلاف و اطمینان مجلسیان و تجدید عهد و قسم و حکمیت کلام الله از مجلس شورای ملی رسیده ما مسبق بودن اذهان بشورش نام و هیچان تمام خاطر نشین اذهان عموم ملت نگردیده به همان اجماع و اجتماع و تعطیل دوائر ثابت القدمند حقیقت مطالب را موقوف به تصدیق وکلاء عظام نموده باضمیمه نشانه شرماتة محمد ابالی

از کرمان به مشهد

خدمت انجمن محترم خراسان و عموم ملت غیور تمام طبقات در تذکرانخانه حاضر علماء قنک بردوش و کفن بگردن در همراهی با مجلس مقدس منتظر اظهار اقدامات هستند سلطان خائن عهد شکن را خارج از دین اسلام شردیم و جانا و ما لاحق برین خون و اسیری ناموس در اضمحلال جنین سلطان و استقلال مجلس مقدس مصمم و منتظر اقدامات دین پرورانه عالی هستیم انجمن ابالی و عموم اهالی

از مشهد بکرمان

خدمت جنابان مستطابان اعضاء انجمن محترم کرمان و سایر اهالی آسامان دامت تائیداتهم آنکه تلگراف غیرفندانه جنابانعالی واصل و از اقدامات مجدته آقابین عظام کمال تشکر و امتنان حاصل عموم علماء اعلام و حجج اسلام و سایر اهالی خراسان با نیت مقدسه شماها متفق القول و متحد الکلمه هستند لهذا تمام دوائر

و کرمان مستحضر شده هموم علماء و وکلاء انجمنهای
جزیه و نجر و کسبه حاکم و مالاً در حفظ حقوق
مشروطیت حاضریم هموم مردم آوده ولایت و سرحدات
در کمال امنیت میباشند .

(انجمن قوچان)

حساب تلکراف محرم - فی

(از طهران بمشهد)

خدمت جناب مهتاب شریعتمدار مروج الاحکام
استادالواعظین عمدهالمحققین حاجی محقق دامت برکاته
در جواب تلکراف انجمن محترم حسینی خراسان
به نشانه فوت مرحوم میرزا حبیب الله اخ ازوجه و ختم
عمل متروکات آن مرحوم عرض میکنم بزرگ ملاحظه
عدم اجراء قوانین اساسیه مجلس مقدس و مات از یکی
دو نفر از امرای دیوانی سوء ظن پیدا کرده تبعید و
تقی ایشان را استبد کردند بفاصله دو روز در میدان
تویخانه حی از رؤساء الرط و اشرار شهر و قاطرچیان
یسرداری آقا شیخ فضل الله و سید علی بزدی اجتماع
و چادرها نصب کردند شها بشریب مسکرات و روزها
بظلم و تعدی از قبیل قتل و نهب دکانین و سرقت
بیوتات و سب عانی و ... و بازار مسالین مشغول
شدند و ذر حلی و فی ایشان این بود - ما دین بی
حوایم مشروطه نمی خواهم و معذک اسباب راحت
از ما کولات و مشروبات و وجوه نقدیه برای ایشان
از همه جهة مهیا بود و در طرف چندرور در همان
میدان پنج شش نفر را مقتول و سلوب و ماله نمودند
مات بهیئت اجتماع و ... و مدرسه
و مسجد جدید سهسالار از ... و از
اطراف بله و قراء کتباً و ... و ...
بمدد مات و هوا خواهی مجلس ... و ...
زمره رسید اجزاء نظام از ... و ...
و غیره اظهار اطاعت و ...
بشرائطه از طرف مجلس دیوانی ...

که در صورت اجراء آن ممانعت بر سریر سلطنت
مستقر باشند الی آن انتهى الامر اینکه طرفین در ظهر
کلام الله مجید عهد و شروط را نوشته و مهر کرده
به یکدیگر دادند که مخالف نشود و مات مطمئن بشوند
فلا بجمک مجلس مقدس و اطمینان حضرت مستطابیه

دوای تسلیم و ذخیره قورخانه در تصرف مات و قولاً
واحداً محمد علی میرزا را طمع از سلطنت نموده من بعد
احدی از اهالی خراسان جلین شخص خائن مخالف
عهد و نایب پانوا لایق سریر دولت نخواهند داشت
و با تمام قوای ملی از بذل جان و مال و نفوس و
امراض مضایقه نخواهند نمود . (امضاء)

حبیب الله الحسینی - محمد جعفر الحسینی - ابراهیم
ابن محمد الرضوی - محمد ابن محمد کاظم الخراسانی
اسد الله الحسینی القزوینی - عبدالشکور - محمد باقر مدرس
محمد رضا الحسینی - مرتضی الحسینی - علی ابن حبیب الله
الحسینی - محمد علی فاضل - انجمن آستان قدس - انجمن
ایالتی خراسان - انجمن سعادت - انجمن آی مشرفه -
انجمن فیض حسینی - انجمن مجاهدین و هموم مات
خراسان -

از مشهد به اصفهان

خدمت آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم بمقتضای
تلکرافات و اصله غالب مات ایران محمد علی میرزا را
از سلطنت طمع مامور از آنها متابعت نموده البته
لازم است حجج اسلام و سایر اهالی اصفهان موافقت
فرموده و طمع او را تلکرافاً همه ولایات اطلاع
بفرمایند .

(محمد ابن محمد کاظم)

سرحدات و ولایات جزء خراسان

هموم انجمن های ولایات و سرحدات البته بعضی
اخبار هیجان و شورش دارالخلافه و ولایات بسمع
شریف امضاء آن انجمن محترم رسیده لازم دانست در
مقام توصیه برآید که اهتمام نام در امنیت بلد و آسایش
حفاظ و ثبات قدم در انجام مشروطیت داشته در کمال
هدن و آرامی سلوک فرموده مطابقاً حرکتی که اسباب
بناه چینی و ظهور مفسد باشد از کسی صادر نشود
بمده الله خراسان در نهایت امنیت و آرامی است و مجلس
مقدس دارالشورای ملی در کمال استیلا و قدرت، از
هر جهة آوده مانید .

(انجمن ایالتی خراسان)

از قوچان بمشهد

حضور مهتاب شریعتمدار مروج الاحکام و وکلاء انجمن
ایالتی دامت برکاتهم - از مخاربه مبارک و مخاربات اصفهان

حجة لاسلام آية الله آقا سيد عبدالله بهبهانی مدظله العالیه
مقاصد سه مرتبه حصول، مردم متفرق ولی از هر
انجمنی در مدرسه مذکوره بانتظار انجام تمام مقاصد
بچینفرا می هستند دکاکین مفتوح لیکن سردار مذکور
بشرارت و فتنه خود مشغول و الحال برای تحصیل
امنیت خود مشغول دست و پا زدن است و لا یحیی
المکرم السبئی الا باهله قطع دابر الذین ظلموا و الحمد لله
رب العالمین

(ساکنان المتکلمین مدیر انجمن اتحادیه حبیبی)

تکرافات در جواب انجمن مجاهدین

خدمت اعضاء محترمه انجمن مجاهدین دام اجلالهم
از اظهار همراهی و حسن اقدامات غیورانه آن برادران
محترمه کمال تشکر و امیدواری حاصله امور قریب باجمام
و موجبات اطمینان و کلا محترم و ملت از سوء رفتار
مخالفین و مستبدین نزدیک بوصول عموم ممالک از اقدامات
عموم اهالی خراسان مسرور (الاحقر صدرالاعلیه)

تکرافات از طهران ۲۲ ذیحجه

خدمت عموم علماء اعلام و صحیح اسلام و اعیان
و اشراف و تیار و کسبه و اصناف دامت تأییداتهم
بعد از اجتماع اشرار در توپخانه دولتی و قتل مسلمین
و نهب اموال و ضایع اعمال از طرف دولت بقرافت
مجید اطمینان دادند و از طرف مجلس مقدس هم
اطمینان داده شد ولی هنوز آثار و قبا بهمد ظاهر نیست
بلکه حضرات مخالفین حاجی شیخ فضل الله و حاجی
میرزا ابو طالب و سید علی آقای یزدی که سیادت
اعمالشان بر احدی مخفی و پوشیده نیست با جمعی از
الواط محاربا به تحریک محرم اول از مرکز اول تقدیر به
یکی از مدارس کرده و باوجود اینکه یکی از عمود
شرقه حضرات بوده و برخلاف آن رفتار میشود و
استشمام بعضی روائع سینه میکنیم البته از آنطرف هم
مکتوبات و تکرافات شده و میشود جواب خیلی سخت
داده شود و الا کار از دست میرود اسلام را دریابید
وطن عزیز خود را از دست ندهید و آگاه باشید که

حضرات در تحصیل مقاصد خود اگر چه به تسلیط
اجانب باشد مضایقه ندارند (سید عبدالله بهبهانی
محمد بن صادق الطباطبائی)

تکرافات روتر راجع بایران

(۱۵ ذیحجه - ۲۰ جنوری)

دوسه ماه قبل دولت ایران برای اصلاح عمل مالیه
از دولت فرانس مستشاری خواسته - (مسیوبیزن) که
مفتش اداره مالیه فرانسه بود بمستشاری مالیه دولت
ایران نامزد شده است

(۱۶ ذیحجه - ۲۱ جنوری)

از پترسبرگ خبر رسیده که بموجب نامه نگار
(بورس گزیت) که از بادکوبه خبر داده افواج ترکی را
حکم حرکت بطرف سرحد ایران داده شده و افواج
ذخیره را نیز طلب نموده اند

(۱۸ ذی حجه - ۲۳ جنوری)

از قسطنطنیه خبر رسیده که سفیر ایران به باعالم
اعتراض نموده که افسران ترکی در حدود ایران گردهای
سفی را اغوا به بلوا مینمایند .

رئیس کمیسیون سرحد بندی ایران هم به طاهر پاشا
رئیس کمیسیون ترکی اعلام نموده تا زطانی که جلزگیری
از مغویان عثمانی میشود معاملات سرحدی مشکل است
تصفیه یابد

مخبر روتر را چنین خبر رسیده که وزیر خارجه
ایران به صدر انجمن زردشتیان چنین نوشته که قاتل
(ارباب فریدون) را تا جایکه ممکن است سزا خواهد
بخشید ، تدارک در گرفتاری آن نیز شده است ، همین
قسم هم تکرافی از رئیس مجلس ملی نیز شده است

(۲۳ ذیحجه - ۲۰ جنوری)

از تبریز به روسیه خبر رسیده که نمایندگان ترکی
شاهزاده فرمانفرما اعلام نامه فرستاده که چون
سواجیلای سرحد ترکی است لذا نخلیه آن بر دولت
ایران لازم است

حبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Hablul Matin Office,
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

و کلا ذمہ دار ابو نجات مشتز این اند

(بدل ابونہ اخبار پیشگی گرفته میشود)

قیمت اشتراک

سالانہ - - شش ماہہ

نامہ مقدسہ

ہند و برہمہ

۱۲ روپیہ - - ۷ روپیہ

ایران و افغانستان

۴۰ قران - - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - - ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - - ۱۶ فرانک

المتین

سنہ ۱۳۱۱

روس و ترکستان

۱۰ منات - - ۶ منات

(مراسلاتیکہ بدون امضای معروف ادارہ)

(باشد درج نخواهد شد)

کلیہ امور ادارہ با

مدیر کل مؤید الاسلام است

ہر دوشنبہ طبع

و سہ شنبہ توزیع میشود

یوم دوشنبہ

۲۹ ذیحجۃ الحرام ۱۳۲۵ ہجری

مصادف با

۳ فروری ۱۹۰۸ میلادی

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید مافی بحث میشود

(مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشار ادارہ آزادست)

پیش از این غفلت نشاید

بالغ بر دو سال است کلیہ جرائد ملیہ خصوصاً نامہ مقدسہ بل پست ملیون نفوس ایرانیہ با آواز بلند فریاد مینند

ایرانیان زندہ اند نہ مردہ ، بیدار اند نہ خواب ، جست و جابکنند نہ سست و تنبل ، بہادر اند نہ جبان ، متفق اند نہ مختلف ، واقف بظہور حوایشتند نہ جاہل شکاری اند نہ شکار ، آمرند نہ مأمور ، عاقل اند نہ باقل ، آراند نہ عبد ، مستحق فضای مشروطیت اند نہ مستوجب فشار استبداد ، حاکمیت را در خہ رند نہ محکومیت ، قابل ادارہ اند نہ لایق اجارہ ، سزوار مقام برتری اند نہ شایستہ زیر دستی ، بالغ شدہ ولی نمینخواہند ، عاقل و کاردیدہ قہم ضرورت ندارند ، مقتدر بحفظ استقلال خویشند سر برستی دیگران را نمی پسندند ، طالب خداوندی اند نہ بندگی راغب فرمانروائی اند نہ فرمان برداری

بہ تقدیم این شرایط و تصریح بہ این دعوای نزد قاضی وحدان مالک رقاب سلطنت مشروطہ گامہ گردیدہ ، کہ آنچہ را خواستگار اند ہمین وسیلہ مقدسہ بدست آورده تا بان درجات عالیہ کہ در خور آنند نائل گردند

حالا میگردیم - ای ایرانیان غیور آن جزیکہ سلطنت مشروطہ را نگاہداری تواند کرد استقلال است ، و اول درجہ استقلال قدرت از جلوگیری تجاوزات احنیہیان میباشد ،

خوب ماہ تصور کردہ از روزیکہ شاہ بیرق مشروطہ را بدست گرفته اید ، کہ عنانیان باکوس و کرما پای اجحاف و زیادتی در خاک مقدس وطن کہ ہر قبضہ آن بخون آباء شجاعان عجبین است بہاد ، و آوازہ ہر گویہ ظلم و بیداد شان کرہ ارض را احاطہ کردہ است ، اگر شاہد دعاوی خود صادقید ، بگوئید در بی مدت چہ اقدامی در جلوگیری دشمن خادع نہ دید ؟ آیا ہمچہ می بندارید کہ بوجود یک پارلمان ہمہ کارہا درست شد ؟ آیا اقدامات پلٹیکی کہ از دو سال باین طرف ہیئت وزرا در خواب ہیا ہو های زبانی ملت گفته اند ، چہ نتیجہ بخشیدہ ؟ این ہمہ دست تضرع بداعیان - فرمای احنیہ دراز کردن ، و واسطہ انگیزختن چہ حاصل داد ؟ آنہمہ گریہ ہائیکہ وکلای ملت در مجلس شوری کردند ، کدام زیادتی را دفع نمود ؟ این ہیاہوی زبانی و شات سوتہا کہ ہمہ روزہ در مجلس وانجمنہا شدہ در قلب دشمن متجاوز چہ اثر کرد ؟ این جایش ولایات و ہریدہ اخبارات چہ سدی در جلو خصم کشید ؟ آخر نا بہ کی باید در مباحث الفاظ پیچید ؟ و ناخذن با الفاظہای

بی معنی خود را حوش دل داشت ؟ ناکي باید ماقوال
 دولتیان قذمت نمود ؟ آیا هنوز هم مر مشبه است که
 قشون عثمانی دعوت شده اند ؟ آیا ر ابتداء بی عالم
 ناکنور هیچ دوات و مات ضعیف، یا امارت کوجک،
 و یا شیخ اسرار محوری، شایسته شده که در ورود خصم
 بحاک و انقد، ظرر فروری و توضع و مجز و لایه
 نموده ، اندا در مردم جواب خصم و مدافعه بریاید ؟
 آیا با این سکوت و صموت و شهر حسن اخلاق
 و سهل القبولی در اجوة بیبکانه منتظرید به دشمن
 حیا نموده ترك پیش روی گیرید ؟ آیا همچو تصور
 میکنید که که سیرن سرحدات با آن حسن وقار و طمأنینه
 مأمورین جلوگیری از قشون خصم خواهند نمود ؟
 این خفتگان ستر غفلت آشکیان، این کسبوی سری
 فریب و عمت شہادت ، نه طمئین حاصل نموده از
 حوال مدافعه بار آید ، سه شاهزادگان بالانتر دین که
 خود بچشم ملاحظه می نمایند که بی دربی قشون عثمانی
 در سرحدات زیاد بیسود ، و آن را رنجور است خود
 می افزاید ، و بن کذب خود بموجب قانون بین الدول
 حلاف بین ست ولی چه سود که در هیچ ریخ دیده
 شده قانون بین الدول شصت و شصت و شصت و شصت و شصت
 خود به شد

بارها نوشته به ، ر بندی عالم حق مغلوب قوت
 بوده ، مگر یک د حق قوی پیدا شده است ، و این همه
 قوانین بین الدول و معاهدات دوتی برز در رجبات
 مساوی است ، نه بین دول قوی و ضعیف ، نه بری
 مات خوب و بد ، نه المخصر بین با بد است نه بری
 حدیث استلال فقط بدیت می اند جمع و خرج ، ای
 و دردی می خورد عین سحت کلامی حرمت ، عارض
 حصن اعضای احسن ها کاری از پیش میرود
 (جواب ما خدا ! ما خدا توب ست در دنیا)
 مات باید عیر به تعبیر ، و حد ، و نام دستکند ،
 تحریف قذمت به نماید ، بردا به است اله ط به بچند ،
 بر حایه به نشیند مگر به که خصم ، الحالی
 به شد ، و به تحریف در ورین به به نماید که
 بن و مات ، جنگ عثمانی در اطرها حلوه دهند
 ست رسته در ست غور و تالی نماید ، الحرفه
 که عثمانی بهری حرجه از دو سال با این طرف در
 وساطت بین داده و میدهد نه تمام انکار از شاهز
 بحاک بر ، ست و ناظران زدن سر عسکر که
 خاور بحاک برن به نماید ولی ، معنی این کلام بهینی
 آن میباشد که آنچه ر ، تصرف شده بیم ملک حوسمان
 رده و هر چه پیش برویم در خاک خود رفته ایم
 گر ما بعینده آن هستیم که دولتین روس و

انگلیس در راه استهلال ما با عثمانی بچنگند عقیده
 است باطل و هر که را سرسوزد کله دوزد ، بلکه باید
 مدطر آن شد که اقدامات عثمانی سر مشق برای روس
 و انگلیس شود یعنی بدان دعوی که عثمانی پیش کرده ،
 و بهان دین کرشیکه از ما بیده اند ، بلا خون جگر
 و بدون مانع ، سرحدات خودشان را بر ما نمایند ،
 عجیب غفوق ما مات را فر گرفته که از هیچ
 واته بخود می آیم ، و ضرب سپاهی در گوشهای ما
 ریخته شده که هیچکس آواری نگوشاید فرو میرود
 از دو سال است سئل المین درین موضوع بحث
 می نماید ، خصوصاً از دو ورور میرزا علی سفرخان باران
 به آوار بند مات را خبر داد که عم فریب قشون عثمانی
 بدخله ای از دعوت خواهد شد ، حلا هم با صدای
 در سر حدیث سماعه از وطن بر ما به ردون کریان
 عثمانی دعوت شده بار ما ، و عورت است که سفوی
 و سپاس را هم تصرف نموده ، دست تصرف بدخله
 آذربایجان در ر ما ، در حطم هایند عثمانی
 ما بد برای دول کاهنه بودا در دینار ما قیام خواهد
 داشت ، و همین سیم سیر ما هم در سلا بول
 آیا در هم مسول برده باشی زرد ، و تجاملات
 عا فاه ، یا هیچ ، یا ترف تحلی رای تسخیر
 (و باج) سخت آیا آن اجوة عثمانی میتوان
 بر ما شایسته گشته ؟
 در دعوت شده بسند ، چرا بدون مدافعه
 شهر سیم ، اندک که به گشته شود که در مة بل
 حصن توب هم به شام ، آیا ببت آنکه در عربت دو
 سال هیچ فری در مدائن سیم حاضر نکرده اند چه
 بوده ؟ آن اطلاع علاق سالی با عثمانی و سلب کردن
 سیر خود ، و بوب دین سیر عثمانی هم قوت در کار
 دست ، در هر هیچ قائم هم مراتب بود افلا
 حا دست عثمانی اندک ما کردید ، بن آنکه هم تخفی نماید
 نه وضع مات ، سیم ، لایم و المروم جنگ بیست
 حدیث سئل قبل ، (اصلیا) مورد اینکه پیرامون
 جنگ ، در وضع آمدت سالی شود و یا ما نمود ،
 که بک بری ، قائم وضع تاملات سالی ما مرززه یا
 عثمانی آستاه تصرفات او سیر مشروع ثابت می شود ،
 ورده ، قائم ، و را تا بک اداره تسابق کرده ایم ،
 و سیم رمل سیم شده باشد دعای عثمانی را
 کاملاً اطلان قرار نداده ایم ، بد تصرفهم که از برای او
 حاضر کردید ، آن وقت ما باید اثبات حقیقت نمایم
 (و اثبات حقیقتان هم آن است که با توب سکروپ
 آنها را بیرون نمایم)
 ای ، اندک ینیم آذربایجان ، ای برادران غیور وطن

عزیز این همه بلایا و رزانا که بر شما وارد می شود، همه بواسطه همت و حمایت نال ارشروطات است، و همین گناه است که مستبدین بی انصاف طغیان شناس دشما را بدوا محسوط الراس شما دعوت نمودند، ریختن خون طاب و طاهر شما را که محلول در میکروب غیرت است اول سوار دیده، بری نبیه دیگران عیال و اطول شما را قتل وقت باسیری حواسته، مقار آناه و احداث شما را لکد کوب سم ستوران می خواهند، پس «عزیز» یک ساله، و صدگونه الهجات به آرزو، و در نتیجه طادن آن، و همه نوزده پیش آسین مقیم البته مینو تا گردیده که مواعید عرقوی بان العظ و اقدامات لارمه شده، آسوده ناشید، اقدامات پانثیکی می و... جنگ دهانی نیست، منازعات عشائری است، و غیره و همه بری بخواب کردن و نفعات داشتن شما بوده، که یک مرتبه خصم تمام آذربایجان را احاطه کرده شهر تبریز و هم محاصره نماید، و نکته بنان سیاست ما کمال تأسف جهان مینگرد، که گر خدا حلوگبری بشود دهن چین روری این قدرها طول نخواهد کشید، مسلم است که همین واقعه (ساجیالاع) را هم بشما عشاری خواهند حلوه داد، چه اگر عشاری نگویید عبورید ترك علائق سیاسی گویند، و این امر منافی است با مهمان نوازی و دعوتی که از دشمن شده.

خوب است تا روز از بد بدتر نرسیده، شما بنیان خور و فکر خود دارید، و قبل از وقت بن خیال میشوم را جسم بناید که عیال و اولاد تان بدست اراقتی عثمانی اسیر و دستگیر نگردد، ننگان حبلملتین را قصه تصور نکنید، استنطاقهای بن امه ملی همه از بخاری نتیجه سیاست است که در خلاف می شود

ای ملت غیور ایران، ای که سیکه ده از عادت و اتفاق و مساوات با برادران وطنی بهزیبید، ای دلیرانیکه دعوی محافظه استقلال وطن عزیز را بنمایید، ای هوشیارانیکه سخن از بیداری خود میگویند، آیا سزوار است که شما آرام نشسته برادران آذربایجان تان تا این درجه دوچار مملکت گردید؟ آیا متعجبیدنه تمام شدیها بشود آن وقت همدردی خود را بیک تلگراف مایم برسی، وانه دیک عیس فاتحه ختم بناید؟ آیا معنی اخوت و مساوات این است؟ که شما با زن و بچه خود آرام در خانه های خود خفته، و خواهران آذربایجان از خوف اسیری ماسد بید برخود لرزیده بی آرام باشند؟ آخر تا کی بجمع و خرج زبانی قناعت مخواهید کرد؟ تا چند مواعید عرقوی دشمنان خانگی اطمینان حواهد نمود؟ آیا نمیدانید که فردا همین

روز سیاه امروزه آذربایجان خودتان هم گرفتار خواهید گردید؟ آیا تصور میکنید که بعد از آذربایجان دن و بجه شما هم اسیر خواهند گرفت؟ آخر تا کی باید نرسید، و لباس سنگ و طار پوشید، و خوف را شعار نمود؟ تا چند باید بواسطه انگیزی قذعت کرد، و دل خود را جلوش نمود؟ آیا این پانیک بوسیده صد ساله که هستی ایرا را بر باد داده تا چند باید تعصب نمود؟ این همه سد ماتیکی از مرعوبیت (که ثمره تابی و بیعاری دولتیان تن برو، خود عرض خان رحمان استبداد شدت نموده) دیده هم ما را کفایت نکرده است؟ که ما هم ترك به نموده بیروی از آن مینایم، آیا هنوز وقت آن بریده که عند السلطنه ارومیه بر فرط فرما را تحت استنطاق و محکه کشیده استعمار نماید که چرا بدون مدد ما از جلو خصم فرار کرد و سگ بی غیرتی را تا اند بروی ایران گدردند؟ اگر نتیجه مشروعه این است سرشا بحال استبداد در معنی عدالت چنین است رحمت و ظلم و بیداد.

حالا دیگر وقت آن نیست که دهن روی حرف گدرد، یا تحمل طرفه نموده، حتی آزادی اقلام و اوکا را هم باز بجه ساخته اوطی قرار دهیم و الحادرات داخله را امر بایم که و نفعات خاندوز لولای طهران را بنویسند، اگر سر زبر برف نبرد معنی غیر زین دارد با شما؟ کدام بدبختی ازین بالاتر است که جمیع عالم بحزیت لوی طهران بد همه تلگرافات روز مره و قصه گردند، ولی حشرات ملی را امر بناید که شما ترك نگارش این نفعات نه طایفه بیداری و عبرت ملت است و بناید بنیده من برگ ترین استبداد، مخالفت با قانون اساسی این حکم بوده است، امیدواریم ازین و بعد دسی و ترك را رنامه نگاری بشود، و کد در بار این کوه تکالیف عجا و تحکات غیر مشروع ندهند

ای ملت ایران، ای همه خفته گان سر غمت ربی خوب گرز بیدار شهید، و دست در عاقبت و خدمت، در فکر بناید، اگر طامع داخلی در پیشرفت مقاصد درید، بیک متحد حقیقی و جنبش ملی اربابش بردارید، و خود اهدانات اندی و رفیت سرمدی دوچار بناید، در این دای صحیح نیست، یعنی قشون عثمانی دعوت نموده بلك وطن بناید، چرا سالت نشسته در جنبش همی بناید؟ چرا متعجبید که خصم تمام مملکت را محاصره کرده آتوت نماید مجد السلطنه و فرما فرما اطهار عبودیت و بندگی بناید؟ آیا کشته شدن در میدان جنگ و دفاع از وطن اسلامی که جمه در فی سبیل الله و بحکم شرع و عقل واجب عینی بر تمام